



چهارشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۰ | سال هشتم
دوره جدید ۱۷۶ | شماره پیاپی ۲۰۹
قیمت ۷ هزار تومان

پرونده‌ای برای آب یزد

آب یزد از نان شب واجب‌تر است

■ نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی:

مسئله آب یزد در آستانه بحران جدی است

■ سید حسینی در گفتگو با پرگار

مشکلات پیش آمده در حوزه انتقال آب به خاطر سوءمدیریت است

■ با توجه به ورود بی‌رویه مهاجرین و کمبود آب در استان:

کارد به استخوان یزد رسیده است

■ استانداران سابق یزد می‌گویند

پروژه انتقال آب در دولت دوم آقای هاشمی کلنگ‌زنی شد

■ نگاهی به تازه‌های نشر در یزد

از چلچراغ قصه‌گویی تا خیابان هزار درخت





طراح: محسن جعفری

بحران کم آبی جدی است

با هم از این بحران گذرمی کنیم





هفته نامه سیاسی
اجتماعی، فرهنگی

جامعه



- نگاهی به زندگی محمد تقی برخوردار
- تبدیل پسماند به پوسماند

پرونده



- مسئله آب یزد، در آستانه بحران جدی است
- استفاده از طرح جامع آب، ما را از بحران پیش آمده خارج می کند
- صرفه جویی ۳۰ میلیون مترمکعبی آب در کشاورزی یزد
- با توجه به ورود بی رویه مهاجرین و کمبود آب در استان
- داستان خط انتقال آب؛ فرازها و فرودها
- همه محق هستیم
- از آنایهیتا تا «ماء»

گالری



- مروری بر آثار نگار مرتضوی زاده

فرهنگ و ادب



- زمستان ما بوی نفت می داد
- داستان کوتاه
- نگاهی به تازه های نشر در یزد
- به بهانه سالروز انتشار سفینه نجات
- یادی از استاد محمدحسین ناصر ترک، شاعر خوش نوای یزد
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش هشتم)

صاحب امتیاز:
نسرین زمان زاده
مدیر مسئول:
زهره شاه شوازی
قائم مقام مدیرمسئول:
مهدی زمان زاده
سردبیر:
عاطفه ابراهیمی
دبیر تحریریه:
شادی شفیعی
مجری انتشار:
آرژانس هنر و تجربه
ویرگول
صفحه آرایی:
سمیرا میدانی
چاپ:
ولیعصر یزد
تیراژ:
۵۰۰ نسخه
نشانی:
یزد، خیابان قیام، کوچه ۱۷
(حسینیه حاجی یوسف)،
کوچه ابریشمی، پلاک ۲
انتشار آکهی:
۰۳۵ ۳۶ ۲۷۴۷ ۱۳
۰۹۱۹۴۹۶۳۷۳۴

از تمامی علاقه مندان برای
همکاری در هفته نامه
پرگار دعوت می شود مطالب
خود را به ایمیل نشریه
ارسال کنند. مطالب منتشر
شده لزوما دیدگاه پرگار
نیست. پرگار منتظر نظرات
و انتقادات خوانندگان
است.
پرگار نشریه مستقل و متعلق
به بخش خصوصی است.

پست الکترونیک
Info@pargarnews.ir
دائلود نسخه الکترونیک
www.pargarnews.ir

روند فرسایشی تغییر مدیران در یزد

سرمقاله

عاطفه ابراهیمی



هفته اول مهرماه، مهرا فاطمی به عنوان استاندار یزد معرفی شد. او در همان روزهای نخست به تغییرات مدیریتی در سطح استان تاکید کرده و گفته بود انقلابی بودن، توان مدیریتی بالا و همراهی و همگامی با ائمه جمعه از جمله ویژگی‌های مدنظرش در عزل و نصب‌هاست. اگرچه تغییر در فرهنگ سیاسی یک جامعه لزوماً به معنای تغییر تمام مدیران نیست اما با تغییر و تحول در سطح کلان مدیریتی یک کشور و به تبع یک استان، تغییرات نه در سطح کارشناس و مجریان سیاست‌ها اما تغییر در سطح مدیران امری طبیعی است.

حالا اما پس از گذشته تقریباً دو ماه از آغاز به کار فاطمی، تنها معاونان خودش تغییر کرده‌اند. بی شک فاطمی رایزنی‌هایی برای انتصاب مدیرانی از جنس تفکر خودش داشته است اما تعلل دوماهه در انتخاب مدیران ارشد استان و فرمانداران این شبهه را ایجاد می‌کند که آیا استاندار جدید با کمبود نیروهای متخصص و همفکر مواجه است؟ آیا علی‌رغم ادعای تفکر سیاسی‌اش با مشکل نبود مدیران انقلابی با توان مدیریتی بالا و همسو با ائمه جماعات روبروست؟! البته ممکن است چیزی شبیه دولت سایه استاندار جوان را تحت تاثیر قرار داده به‌گونه‌ای که فشار جریان - های سیاسی داخل و یا خارج از استان اصلی‌ترین دلیل این تعلل باشد. دلیل این وضعیت هر چه که هست، موجب بلا تکلیفی در بدنه مدیریتی استان شده است.

مهرا فاطمی سال‌ها پیش در مقام یک فعال سیاسی و اجتماعی در خصوص تغییرات در شورای شهر تاکید کرده بود، «نمی‌توان این واقعیت را نفی کرد که پیکره اصلی جامعه از نسلی است که دیگر به دنبال تکرار نبوده و تغییر را مطالبه می‌کند». حالا که او به عنوان بالاترین مقام سیاسی و اجرایی استان مشغول فعالیت است انتظار می‌رود به سخنان خویش پایند بوده و نگاه متفاوتی به جوانان داشته باشد. شایسته است استاندار جوان که پیش از این از منتقدان دولت قبل و مدیرانش در استان بود برای حاکم شدن تفکر انقلابی بر دستگاه اجرایی، تلاش کند. این مهم در صورتی انجام می‌شود که مدیران کارآمدی که نماینده این تفکر هستند در استان وجود داشته باشند و بتوان از آن‌ها استفاده کرد. اگرچه منظور به هیچ وجه آنچه به تغییرات اتوبوسی تعبیر می‌شود، نیست اما به هر حال ضروری است بدنه مدیریتی استان با تفکرات استاندار همسو باشد. به هر حال این روزها در میان تمام بحران‌ها و چالش‌های استان آنچه بیشتر به چشم می‌آید روند فرسایشی و کش‌دار در تغییر مدیران است به‌گونه‌ای که کارکنان و بدنه مدیریتی استان دچار سردرگمی و بلا تکلیفی هستند تا وضعیت مدیران جدید مشخص شود.



نگاهی به زندگی محمد تقی بر خوردار

بگذارید در رأس بنگاه خود بمانم

دهه سوم قرن چهارده خورشیدی است و با پشت سر گذاشتن جنگ جهانی دوم و قحطی بزرگ، شهرهای ایران روند روبه‌رشد اقتصاد خود را آغاز می‌کنند. در این گیر و دار جوانی برآمده از یزد راهی تهران می‌شود، تا به کسب و کارش رونق بدهد. او مردی آینده‌نگر است اما شاید خودش هم نمی‌داند طی چند سال در اقتصاد ایران تاریخ‌ساز خواهد شد. ما قرار است در این شماره قصه محمد تقی بر خوردار را تعریف کنیم:

شادی شفیعی 

چه گناهی کرده‌ایم که صنایع ما را ملی کرده‌اید؟ ما کارخانه تأسیس کرده‌ایم و تعداد زیادی کارگر تعلیم داده و مشغول به کار کرده‌ایم. " بعد حاج بر خوردار به مهندس بازرگان می‌گوید: " شما ۱۰ درصد سرمایه ما را به ما پس دهید و ما را از پشت بخوابانید و صد ضربه شلاق بزنید که دیگر از این غلط‌ها نکنیم و دیگر در ایران کارخانه احداث نکنیم."

بود. این مرد رئیس حدود ۴ هزار کارگر بود و ۱۳ کارخانه صنعتی هم تأسیس کرده. از اول جلسه آرام بود و به دیگران گوش می‌کرد. اما زمانی که مقامات دولت موقت در مورد سرمایه و سرمایه‌داری گفتند و از این موضوع حرف زدند که این‌ها ملی نیستند و همه مونتاز هستند، این مرد آرام که حاج محمد تقی بر خوردار نام داشت، یک دفعه دادی زد و گفت: " ما

✚ در ایران کارخانه تأسیس نکنیم یک روز به‌ظاهر عادی در دفتر نخست وزیر دولت انقلاب مهندس مهدی بازرگان با حضور عده‌ای از فعالین حوزه صنعت بحثی در مورد روند روبه‌رشد کارخانه‌ها در جریان بود. این وسط یک مردی بود حدود ۵۵ سال که کت شلواری و به عادت همیشگی تمیز و مرتب به ملاقات عالی‌رتبه‌ترین مقام کشوری آمده

برخوردار سواد مکتبی داشت اما تجارت را از پدرش یاد گرفته بود. در سال ۱۲۹۸ در ۲۴ سالگی با ربابه مرشد ازدواج کرد که این خانواده نیز از تجار بسیار موفق یزد بودند. می گویند برخوردار بزرگ برای اینکه تجارت را به پسران خود یاد بدهد، آنها را با خود به حجره می برد، اما هفته ای یکبار بیشتر به آنها پول نمی داد چرا که معتقد بوده بچه ها خودشان باید پول در بیاورند تا اهمیت آن را بفهمند. محمدحسین برخوردار امین بازار بود و خیلی ها به او اعتماد داشتند و با او راحت معامله می کردند، اما او خیلی سنتی و مذهبی بود و ترجیح می داد همان تجارت سنتی را دنبال کند و به دنبال نوآوری در تجارت نبود.

✚ احترام به پدر

محمدحسین ۶ پسر داشت و که از بین آنها تنها دو پسرش در تجارت ماندند. حاج محمدحسین برخوردار در تمام زندگی خود اهل تأسیس بنیاد خیریه نبوده اما بعد مرگش بخشی از منابع باغ های پسته اش را برای امور خیر خرج کرد. او وصیت کرده بود که درآمد چندین هکتار باغ پسته را به مدت بیست سال صرف هزینه سفر به نجف و جشن تولد امام حسین و مدارس دینی کنند. کمک های او برای بیمارستان، مدرسه، کتابخانه، حوزه علمیه، خرج تحصیل طلاب دینی، ساخت آب انبار، مسجد در یزد بسیار مشهور است. حاج محمدی یک سال پس از سقوط رضاشاه نقش مؤثری در توسعه فعالیت تجاری پدر داشت. پس از آن، حاج محمد هاشم از سال ۱۳۲۷ در تهران فعال شد و حاج علی اکبر نیز از سال ۱۳۳۰ در شهرستان رفسنجان

اما کمتر از یک سال بعد از این جلسه، تمام ۱۳ کارخانه، مال و اموال و زمین های پدری او مصادره می شود. آن چنان شوک مصادره اموال برای او سنگین بود که بعد از این ماجراها سکنه کرد و آلتزایمر گرفت. محمدتقی برخوردار فراموشی گرفت و با همین فراموشی هم فوت کرد.

✚ چهره تأثیرگذار ایرانی

فقط مرور تعداد کارخانه ها و شرکت هایی که محمدتقی برخوردار در ایران تأسیس کرده بود، نشان می دهد که اگر آهنگ توسعه آن حفظ می شد، شاید ایران امروز به لحاظ میزان و کیفیت تولیدات صنعتی وضعیت متفاوتی داشت. محمدتقی برخوردار را که به پدر لوازم خانگی ایران معروف شد، شاید بتوان جزء ۱۰۰ چهره ایرانی تأثیرگذار در قرن بیستم نام برد. کسی که کارخانه های زیادی را در کشور راه انداخت که نام محصول کارخانه هایش برای اکثر ما آشناست. پارس خزر، باتری قوه پارس، توشیبا و ... همه اینها محصولات کارخانه هایی است که آقای برخوردار در ایران راه اندازی کرد.

✚ محمدحسین و فرزندانش

محمدتقی برخوردار در یک خانواده تاجر و سرمایه گذار به دنیا آمد. او فرزند دوم حاج محمدحسین برخوردار یکی از تجار سرشناس یزد بود. این خانواده از دوره ناصرالدین شاه تا سال ۱۳۲۰ یزد به تجارت مشغول بودند و بعدها تجارت خانه خود را گسترش داده و آن را به تهران منتقل کردند. خاندان برخوردار یکی از خانواده های بانفوذ یزد بود که همراه با چند خانواده دیگر، مثل خانواده های مرشد، آگاه و امین از خانواده های مهم تجاری شهر بودند. محمدحسین



محمدتقی

برخوردار را که به پدر لوازم خانگی ایران معروف شد، شاید بتوان جزء ۱۰۰ چهره ایرانی تأثیرگذار در قرن بیستم نام برد.

پدر تنها صادرات پسته را ادامه داد و همه تمرکز خود را در آن دوره بر روی واردات و ساخت کالاهای صنعتی مدرن گذاشت. سال ۱۳۲۳ با اصرار زیاد پدر خود را قانع کرد که کسب و کار مستقل خود را راه‌اندازی کند. در شروع کار هم یک حجره در سرای امید روبروی مسجد شاه سابق (امام خمینی فعلی) به قیمت ۹ هزار تومان خرید البته که الان همان مکان مرکز پسته در بازار تهران است. بعد که کسب و کار بزرگ‌تر شد به سرای چیت‌ساز کنار بانک ملی بازار تهران و یک مدت بعد هم به ساختمان آلومینیوم در خیابان جمهوری فعلی رفت.

❖ کار آفرین مذهبی

حاج محمد تقی بر خوردار کار آفرینی مذهبی بود که مذهبش مانع از گسترش فعالیت‌های اقتصادی او نشد و نگرش‌های اخلاقی‌اش اصلاً رنگ سوداگراییانه نداشت. او معتقد بود که زندگی اول و آخرش کار کردن است. شاید بتوان گفت که او چنان کار می‌کرد که گویا به فعالیت‌های دنیوی‌اش معنایی مذهبی می‌بخشید. به علاوه اینکه او اقدامات خیریه‌ای بسیاری نیز انجام می‌داد. این اقدامات در خاندان بر خوردار نهادینه شده بود زیرا پدر او از معتمدان مجتهدان بنامی در یزد بود. او نیز مانند پدر از ابتدای فعالیت نه تنها مسئولیت اخلاقی‌اش را فراموش نکرد بلکه هر قدر بر انباشت سرمایه‌اش افزوده می‌شد فعالیت‌های خیر خواهانه‌اش رنگ مسئولیت اجتماعی نیز به خود می‌گرفت.

❖ کارنامه صنعتی محمد تقی

بر خوردار

بر خوردار شرکت‌های تولیدی متعددی تأسیس کرد. اولین شرکت ری اوواک

و حاج محمد مهدی در یزد فعالیت‌های تجاری خانوادگی را تحت هدایت پدر اداره می‌کرد.

❖ قصه محمد تقی

حاج محمد تقی بر خوردار سال ۱۳۰۳ در یزد به دنیا آمده که هم‌زمان هم نوسازی در کشور شروع شده بود. اما خانواده بر خوردار مذهبی بودند و خیلی با این تجدد خواهی که در کشور شروع شده بود، میانه‌ای نداشتند. محمد تقی بر خوردار دوران بچگی پر سر و شوری داشته، اما هر چه بزرگ‌تر شد و وارد کار تجارت بسیار آرام و مسالمت‌آمیز بود. زمان اشغال ایران به دست متفقین، محمد تقی ۱۷ سال سن داشت و بعد از گرفتن دیپلم وارد بازار کار شد. سفر به تهران زمانی که محمد تقی دیپلم گرفت همراه با برادر خود محمد مهدی به حج رفتند اما در بازگشت از سفر تصمیم می‌گیرد که به بهانه درس خواندن و ادامه تحصیل در رشته پزشکی به تهران سفر کند. البته حاج محمد حسین با این تصمیم به شدت مخالف بود و می‌ترسید که فضای پایتخت بر روی اعتقادات دینی و سیاسی پسرش تأثیر منفی بگذارد. محمد تقی بر خوردار از ۱۸ سالگی تا ۳۳ سالگی یعنی بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۶ در تهران کار می‌کرد و در همین دوران هم ازدواج کرد. همسر او یکبار ازدواج کرده بود و از ازدواج قبلی خود یک دختر داشت اما از ازدواج با همین خانم ۳ فرزند دارند: حمید که در سال ۱۳۳۸ به دنیا آمد، یکی از دخترها متولد سال ۱۳۴۰ و دختر دیگر هم متولد سال ۱۳۴۹ است.



او نیز مانند پدر از ابتدای فعالیت نه تنها مسئولیت اخلاقی‌اش را فراموش نکرد بلکه هر قدر بر انباشت سرمایه‌اش افزوده می‌شد، فعالیت‌های خیر خواهانه‌اش رنگ مسئولیت اجتماعی نیز به خود می‌گرفت.

❖ شروع کسب و کار مستقل

در دهه ۴۰ محمد تقی بر خوردار از میراث

این هجرت تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت که به سودای بازپس گیری اموالش به ایران بازگشته بود. حاصل این بازگشت فقط بازپس گیری قطعاتی زمین در رفسنجان و استرداد منزل شخصی اش بود.

❖ در رأس بنگاه خود باشم

"خودم شنیدم وقتی پشت تلفن گفت: آقای مفتوح! من همه اموال خودم را می دهم به جمهوری اسلامی و تنها یک شرط دارم. اینکه، من با نظارت دولت، در رأس بنگاه خودم باشم که این سرمایه و پیشینه اقتصادی از بین نرود. یک قرارداد متعهدانه منعقد کنیم که یکی امضای من و یکی هم از سوی دولت پای آن باشد. من حتی حقوق هم نمی خواهم." این گفته غلامرضا جعفری مدیر فروش پارس الکتریک و یکی از مدیران محمدتقی برخوردار است. حاج محمدتقی پس از ناکامی در بازپس گیری اموالش، در برابر این سؤال که اگر امروز فعالیت تجاری را شروع می کردی، چطور عمل می کردی؟ این جواب را داده بود: "یک شرکت تأسیس می کردم و آن را شخصاً اداره می کردم و در جهت گسترشش هیچ اقدامی نمی کردم."



❖ فراموشی؛ پایان همه

سرانجام حاج محمدتقی برخوردار در سن ۸۷ سالگی در تهران در گذشت در حالی که نتوانست سرمایه جوانی اش را پس بگیرد و آرزایم حتی دیگر رمقی برای او باقی نگذاشته بود که احتمالاً روزهای پردرد سال های سالخوردگی و شاید سال های پر جوش و افتخار دور تر را به یاد بیاورد.

(قوه پارس) در مهر ۱۳۴۱ تأسیس شد و طی ۱۴ سال به سه کارخانه توسعه یافت. او با تأسیس شرکت پارس الکتریک در سال ۱۳۴۲ تولید رادیو و تلویزیون با مارک های توشیبا، گروندیک و شاپو لورنس را آغاز کرد. گسترش سرمایه، نیروی انسانی، استفاده از متخصصان و مدیران خارجی و داخلی در سطحی وسیع در طی ۱۴ سال از ویژگی های کارآفرینی او در این شرکت بود. در سال های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ حاج محمدتقی برخوردار شرکت صنعتی پارس توشیبا و لامپ پارس توشیبا را با سرمایه گذاری مشترک توشیبا ژاپن و بانک توسعه صنعتی و معدنی تأسیس کرد. او با همکاری علی اکبر برخوردار، حسن آگاه و سید محمد گرامی شرکت کشت و صنعت تأسیس کرده بود. در این شرکت ها با افزایش تولید و گسترش خطوط، به تدریج مدیران ایرانی جایگزین مدیران خارجی می شدند. از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ با گسترش منابع اعتباری ابعاد فعالیت صنعتی حاج محمدتقی برخوردار توسعه قابل توجهی یافت. در این سال ها شرکت های متعددی چون سرامیک البرز، کارتن و فرش پارس، شرکت پوشش و لوازم خانگی پارس تأسیس شدند. او همچنین سرمایه گذاری هایی در چندین شرکت و بانک خصوصی به عمل آورد.

❖ بازگشت بی فایده

به دنبال ملی شدن شرکت ها و کارخانجات صنعتی ایران از جمله اموال آقای برخوردار که بعدها در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت، او پیش از یک سالگی انقلاب، از ایران خارج شد و

در این شرکت ها با افزایش تولید و گسترش خطوط، به تدریج مدیران ایرانی جایگزین مدیران خارجی می شدند.



تبدیل پسماند به پوسماند

هوای محیط زیست را داشته باشیم

کتاب علوم دوم دبستان از بچه‌ها می‌خواهد که بگویند چگونه محیط را سالم نگه دارند. بچه‌ها باید فکر کنند چگونه می‌توان کاری کرد که آسیب‌رسانی به محیط زیست کم شود؟ اولین چیزی که به ذهن یک کودک ۸ ساله می‌آید نریختن زباله در طبیعت و جداسازی زباله‌ی خشک از تر است، چون هم از بزرگ‌ترها و هم از تلویزیون این دو مورد را یاد گرفته و در ذهنش نقش بسته است. تکرار چیزی است که می‌تواند تاثیر خوبی در فرهنگ سازی داشته باشد.

سمانه ملازینلی



نگرفته است. پسماند کلمه‌ای است که خیلی از ما آن را شنیده‌ایم، پسماند انتخاب نامی دیگر برای زباله است. مواد زائدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت انسان به وجود می‌آید. پسماند بخش طبیعی از چرخه‌ی طبیعت است اما انسان‌ها بیش از ظرفیت روند باز یافت طبیعی، پسماند تولید می‌کنند و به

رسانه‌ای و دیدن بزرگ‌ترها در خانه که زباله‌ها را تفکیک می‌کنند الگوهایی بوده که توانسته فرهنگ سازی در این زمینه برای بچه‌ها را در دست بگیرد. قدم بعدی برای فرهنگ سازی می‌تواند در حوزه پسماند تر (پسماند ارگانیک) باشد، حوزه‌ای که هنوز چندان مورد علاقه رسانه‌ها و حتی صدا و سیما قرار

آسمان آبی، زمین پاک، حق همه‌ی ما بچه‌هاست، شعاری است که تقریباً اکثر بچه‌ها با تلویزیون هم‌خوانی کرده‌اند و وقتی ملودی ماشین شهرداری برای پسماند خشک در کوچه‌ها پخش می‌شود این بچه‌ها هستند که دوست دارند پسماندهای خشک را تحویل ماشین شهرداری دهند. تکرار برنامه‌های

در یزد این کار توسط گروه مهربانی با آب و خاک (هشتگ مهربانی) در حال انجام است و آن‌ها ماهیانه با ماشینی که شهرداری در اختیارشان قرار داده است پوسماند شما را برای تحویل به دامدار از درب خانه تان جمع آوری می‌کنند. پوسماند واژه‌ای جدید از این گروه یزدی تبار برای پوست خشک شده‌ی میوه‌ها است. گاهی افراد این کار را وقت‌گیر یا سخت می‌دانند، خوشبختانه در یزد فعالیت در حوزه محیط زیست کم نیست و کسانی که دغدغه محیط زیست را دارند فکری برای این مورد نیز برداشته‌اند. اگر امکان این را نداریم که پوسماندهایی که تولید کرده‌ایم را خشک کنیم، در عوض می‌توانیم آن را دور نریزیم و فقط با شماره‌هایی که در گروه طبیعت سبز (گروه‌های فعال در حوزه پوسماند در یزد) از دامداران یزد در سطح شهر در دسترس ما قرار گرفته است تماس بگیریم تا درب منزل بیایند و پوسماندها را برای خوراک دام هایشان از شما تحویل بگیرند. حق انتخاب با ماست، پوست میوه را درب خانه بگذاریم و در ایجاد زهر مهلکی به نام شیرابه و آلودگی آب و خاک و منابع کشاورزی سهیم باشیم و این آلودگی را با آب و غذایمان نوش جان کنیم. یا اینکه از پوست میوه‌ها، پوسماند بسازیم تا در حفظ محیط زیست و داشتن غذا و محیطی سالم، مشارکت کنیم و الگویی برای کودکانمان باشیم. فردا از آن فرزندان ماست. این کار در ذهن آن‌ها نقش خواهد بست و شاید روزگاری نه چندان دور در کتاب علوم خود علاوه بر نوشتن تفکیک زباله خشک از تر، این را هم بنویسد: نجات سرمایه‌های طبیعی با تبدیل پوسماند به پوسماند.

همین دلیل باید پوسماندها را مدیریت کرد. یک روستا را تجسم کنید، در روستا سرانجام زباله‌های تری که توسط مردم تولید می‌شود چیست؟ مرغ و گوسفند و سگ از پسماندی که انسان تولید کرده استفاده می‌کنند، دور ریخته نشده و تبدیل به زباله و شیرابه (ترکیب آب زباله با زباله‌ی سمی و عفونی) نیز نمی‌گردد. این چرخه سال‌هاست در روستاها ادامه دارد و حتی در زمان قدیم در شهر نیز رواج داشته است. زباله‌ها تا جایی که امکان داشته دور ریخته نمی‌شده و استفاده مجددی از آن‌ها صورت می‌گرفته است.

❖ چه کاری از دست ما برمی‌آید؟

شاید فکر کنیم ما در شهر، در خانه‌های کوچک و آپارتمانی پرنده یا حیوان نداریم تا پوسماند تری که از پوست میوه، صیفی جات و سبزیجات تولید می‌شود را دور نریزیم.

درست است اما می‌توانیم پسماندی که تولید می‌کنیم را خیلی راحت در معرض نور خورشید، پهن شده در سینی بالای یخچال، روی شوفاژ و... خشک کنیم. پوسماندهای تر بعد از خشک شدن به طرز عجیبی کم حجم می‌شوند و جای کمی را اشغال می‌کنند. نتیجه اینکه به زباله تبدیل نشده که بیرون از شهر دفن شود و از تولید شیرابه و گاز متان نیز جلوگیری می‌شود. شیرابه سم مهلکی است که آلاینده‌ی آب و خاک است و گاز متان هم که از انباشت زباله تولید می‌شود از عوامل مهم گرمایش زمین به شمار می‌رود. ما با این کار علاوه بر حفظ محیط زیست به دامدار کمک کرده و غذای حیواناتش را تامین کرده‌ایم.

گاهی افراد این کار را وقت‌گیر یا سخت می‌دانند، خوشبختانه در یزد فعالیت در حوزه محیط زیست کم نیست و کسانی که دغدغه محیط زیست را دارند فکری برای این مورد نیز برداشته‌اند.



پرونده

- مسئله آب یزد، در آستانه بحران جدی است
- استفاده از طرح جامع آب، ما را از بحران پیش آمده خارج می‌کند
- صرفه‌جویی ۳۰ میلیون مترمکعبی آب در کشاورزی یزد
- با توجه به ورود بی‌رویه مهاجرین و کمبود آب در استان
- داستان خط انتقال آب؛ فرازها و فرودها
- همه محق هستیم
- از آن‌ها تا «ماء»

نماینده مردم یزد در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با پרגار؛

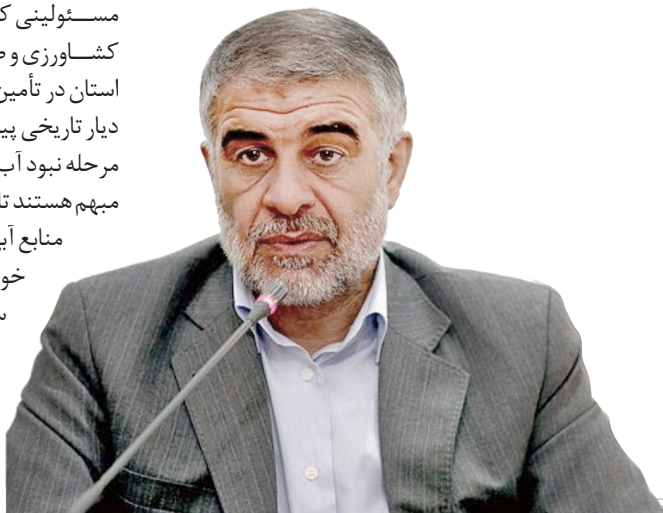
مسئله آب یزد در آستانه بحران جدی است

یزدی‌ها فقط آب شرب می‌خواهند

ثریا آسایش

دنیای امروز جولانگاه سیاست‌گذاران و سیاست‌مدارانی است که پیش‌قروان جامعه خود هستند تا نیازهای اصلی شهروندان را دوراندیشی کرده و بر اساس آن برنامه‌ریزی انجام می‌دهند. در واقع وجه تمایز مردم عادی و سیاست‌مداران، آینده‌نگری نسبت به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن جامعه است. عموم مردم درگیر روزمرگی‌ها هستند و خبرگان و نخبگان سیاسی به تبیین آینده برای آنان می‌پردازند اما گویا این روند در یزد متفاوت است آینده‌نگری و سیاست‌گذاری بر این اساس اولویت ندارد یا شاید متولیان استان هنوز با این مقوله بیگانه هستند.

مسئولینی که لازم بوده با عاقبت‌نگری مصارف آب در کشاورزی و صنعت را مدیریت کرده و آسودگی خاطر مردم استان در تأمین آب شرب را فراهم می‌کردند اما اکنون این دیار تاریخی پیش‌تاز مدیریت منابع آبی در اعصار گذشته را به مرحله نبود آب رسانده‌اند و اکنون دنبال روزه‌ای در شرایط مبهم هستند تا با بهینه‌سازی مصرف آب و کنترل بهره‌برداری منابع آبی رو به پایان استان در تمام بخش‌ها به گمان خویش گامی در بهبود این شرایط بردارند. آمایش سرزمین یکی از ابزارهای اصلی در توسعه پایدار شناخته می‌شود و مدت‌ها در برنامه‌ریزی شهری ممالک پیشرو و حتی کشورهای جهان سوم مورد استفاده قرار می‌گیرد و گویی حالا اهمیت آن برای سیاست‌گذاران کشور محرز شده و در پی اقدامات علمی و عملی از این نوع هستند. هر چند که منابع



مجلس شورای اسلامی نشستیم و نظرات او را در خصوص وضعیت آب استان جویا شدیم.

استان یزد در چه مرحله‌ای از وضعیت بی‌آبی کنونی قرار گرفته است؟

استان یزد در شرایط تنش آبی قرار دارد در واقع این مرحله به این معنی است که مشکلاتی در تأمین آب وجود دارد. تنش آبی یک مرحله قبل از بحرانی است. با توجه به تهدیدات دائمی که روی خط لوله انتقالی آب به یزد می‌شود، استان در آستانه بحران جدی قرار دارد. زمانی که صحبت از بحران می‌شود دیگر آبی وجود ندارد این تعاریفی است که وزارت نیرو به کار می‌برد.

اثرات تنش آبی بر روی استان یزد چه خواهد بود؟

استان در حال حاضر با مشکل توسعه روبه‌رو است اما به دلیل کمبود آب دیگر نمی‌توان صنعت را در استان توسعه داد، زیرا پایه اول صنعت آب است و در این زمینه مشکل وجود دارد. آب شرب مردم تأمین می‌شود اما چون میزان آب تخصیصی به استان کم است نمی‌توان در امر توسعه استان خصوصاً صنعت مورد استفاده قرار گیرد.

مردم استان یزد در خصوص آب شرب مصرفی خود چه مشکلاتی را مطرح می‌کنند؟

مردم از فشار پایین آب در برخی مناطق گله‌مند هستند و مشکل بیرون آمدن آب از لوله بعضی منازل وجود دارد. این فقط مختص به روستاها نیست بلکه در خود شهر یزد این معضل مشخص است. کیفیت آب استان نامطلوب است، در صورتی که آب انتقالی با آب‌های زیرزمینی ترکیب شود از نظر کیفیت، بهداشت و مواد معدنی، آبی با درجه متوسط به مردم عرضه می‌شود.

چه اقداماتی برای تأمین آب شرب شهروندان انجام داده‌اید؟

کیفیت آب یزد روز به روز بدتر می‌شود و از لحاظ کمی نیز مشکل اساسی وجود دارد باید بحث انتقال آب جدی گرفته

طبیعی خصوصاً منابع آب به این کندی عمل نکرده و در حال تمام شدن است. برنامه‌های غیراصولی در مصرف آب روند نابودی این منابع را تندتر کرده و گویا دیگر آبی برای مدیریت وجود ندارد. قنات‌های خشکیده، بارش‌های اندک، مصارف بدون توجه آب در صنعت و کشاورزی و تعلل در برنامه‌ریزی‌های مدون و مدرن، اقدامات تأخیری در مدیریت منابع آب استان را مورد تردید قرار می‌دهد. اما در این میان یکی از مسئولان استان که به واسطه ارتباطات رسانه‌ای و مصاحبه‌هایش به نظر می‌رسد دغدغه بیشتری نسبت به آب در مقایسه با سایر متولیان یزدی دارد از این رو پای صحبت محمد صالح جوکار نماینده مردم یزد و اشکذر در





□ استان در حال حاضر با مشکل توسعه روبه‌رو است اما به دلیل کمبود آب دیگر نمی‌توان صنعت را در استان توسعه داد، زیرا پایه اول صنعت آب است و در این زمینه مشکل وجود دارد.

است که مدیریت منابع آب در سطح کشور وجود داشته باشد. برخی مناطق کشور آب دارند بعضی مناطق نفت و مناطق دیگر معدن دارند این منابع باید توزیع عادلانه داشته باشد. نکته دیگر آمایش سرزمین است و بر اساس آمایش سرزمین توانمندی‌ها و پتانسیل‌های که در هر منطقه وجود دارد بر اساس شرایط اقلیمی و ظرفیت‌ها، برنامه‌ریزی توسعه‌ای برای آن مناطق انجام شود که متأسفانه به خوبی صورت نگرفته است و در اجرا نیز دچار مشکل است. به تازگی در سال گذشته آمایش استان‌ها تصویب شده تا اجرا شود طول می‌کشد.

دلیل اصلی تعرض برخی از اصفهانی‌ها به خط انتقال آب یزد چیست؟

این مشکل در زمانی که آب وجود داشته و تمام مردم از آن استفاده می‌کردند عیان نبوده اما با محدود شدن منابع آبی به هر صورت تنش بین استان‌ها ایجاد می‌شود و خود اصفهانی‌ها اذعان دارند که کمبود آب وجود دارد البته نکته‌ای که حائز اهمیت است فقط کمبود آب نیست بلکه اگر بررسی در همین استان‌های درگیر در بحران بی‌آبی انجام شود بیانگر این است که آمایش سرزمین وجود نداشته و بالتبع این مشکلات را به وجود آورده است. اگر مدیریت منابع آبی در کل کشور وجود داشت می‌توانست اثربخشی لازم را داشته باشد.

تعرض به خط لوله آب توسط اصفهانی‌ها به دلیل کم‌آبی است و با تخریب خط لوله اعتراض خود را نسبت به این موضوع نشان می‌دهند. البته راه‌های دیگری برای بروز اعتراض وجود دارد اما گمان بر این است که نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و آن هم قطع آب استان یزد است.

شود و آنچه که ضروری به نظر می‌رسد انتقال آب از منابع داخلی چون سد خرسان و از منابع بیرونی مثل دریای عمان و خلیج فارس است که به‌وسیله آن، آب استان تأمین شود و گر نه در طی پنج سال آینده دچار بحران آب خواهیم شد و در برخی مناطق که فشار آب کم است، این بحران شدیدتر خواهد شد.

مردمان استان یزد در مدیریت منابع آب چون بحث قنات در گذشته سرآمد بوده‌اند دلیل اینکه استان در حال حاضر چنین شرایط آبی را تجربه می‌کند، چیست؟

از یک سو بحث خشکسالی و تغییرات اقلیمی مطرح است و از سوی دیگر ایران در منطقه غرب آسیا و فلات مرکزی قرار گرفته و ذخایر آبی در کشور تا به انتها نیست سالانه ۵۰ سانتی‌متر فرورفت آب وجود دارد. مخازن آب استان در حال کم شدن است و به دلیل کمبود بارندگی‌ها، قنات‌ها خشک شده و پاسخگوی نیاز مردم نیست و در سایه آن بخش اعظم روستاها نیز دچار خشکسالی شده و منجر به مهاجرت مردم به سمت شهر یزد می‌شود، همین دلیل مناطق حاشیه‌نشین را ایجاد کرده و یکی از مشکلات استان نیز خدمات‌رسانی آب، برق و زیرساخت‌ها به این مناطق است که باعث به وجود آمدن مشکلات بعدی می‌شود.

چه میزان مدیریت ناکارآمد و برنامه‌های غیرکارشناسی را در ایجاد تنش آبی در استان مؤثر می‌دانید؟

تمام موارد مقابله با بی‌آبی باید در سایه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست در سال‌های گذشته انجام می‌شده و لازم



مخازن آب استان در حال کم شدن است و به دلیل کمبود بارندگی‌ها، قنات‌ها خشک شده و پاسخگوی نیاز مردم نیست و در سایه آن بخش اعظم روستاها نیز دچار خشکسالی شده و منجر به مهاجرت مردم به سمت شهر یزد می‌شود.

| چه میزان مبحث حقایق در تخریب لوله‌های انتقال آب استان توسط اصفهانی‌ها اثر گذار است؟

حقایق حق کشاورزان است که توافق بر سر آن وجود دارد اما میزان آن معین و مشخص است. حقایق که مختص یزد نیست، قبل از انقلاب یک تونل برای انتقال آب کوهرنگ به زاینده‌رود وجود داشته و بعد از انقلاب نیز تونل دیگری اضافه شده است.

همچنین چشمه‌هایی نیز افزوده شده پس نمی‌توان ادعای حقایق کرد و به این بهانه خط انتقال را تخریب نمود که درستی این ادعا در سایه تردید قرار دارد. خشکسالی‌های پیش آمده و ایجاد صنایع آب‌بر مشکلات را برای کشاورزان ایجاد کرده است. نمایندگان مردم اصفهان در مجلس نیز چنین ادعای را مطرح می‌کنند که آب زاینده‌رود حقایق آنها است و هیچ‌کس دیگری حق بردن آن را ندارد به هر حال هر چه اضافه است که نمی‌توان حقایق در نظر گرفت و چنین ادعایی در این خصوص پذیرفتنی نیست.

| الگوی کشت استان دارای اشکالات مبنایی است و باعث هدررفت آب در سطح وسیع

می‌شود چه اقداماتی برای اصلاح آن انجام داده‌اید؟ میزان مصرف آب در شهر یزد پایین‌تر از استان‌های دیگر است و مردم استان برای شرب و بهداشت خود کمترین

مصرف را دارند. استان یزد مقام اول در کشت گلخانه‌ای را دارد و دلیل آن کمبود منابع آبی بوده است یک فناوری جدید چون کشت گلخانه‌ای، آب کمتری را مصرف می‌کند. البته به این معنی نیست که کشت سنتی وجود نداشته باشد در این بخش لازم است که دولت وارد کار شود و مدیریت خود را با کمک بلاعوض نمایان کند تا موجب هدررفت آب کمتری شده و منابع آبی استان حفظ شود.

| نظرات دیگر نمایندگان استان‌های درگیر مشکلات کم‌آبی در مجلس چیست؟

همه نمایندگان نظرات مشترکی دارند اما در اجرا چنین اتفاقی تحقق پیدا نمی‌کند. در گذشته به فعالیت صنایع پرآب خواه در کنار دریا تاکید می‌شد اما در عمل به اتفاق خاصی منجر نشد. دلیل عمده آن جدی نگرفتن مدیریت آب در کشور است در آینده ایران با کم‌آبی شدید مواجه است و باید بررسی‌های لازم صورت گیرد و در زمینه مدیریت منابع آبی اقدام سریع انجام شود که به نفع همه است.

تعرض به خط لوله آب
توسط اصفهانی ها
به دلیل کم آبی است
و با تخریب خط لوله
اعتراض خود را نسبت
به این موضوع نشان
می دهند.



این قصد وجود دارد که با جلسات مختلف و کمک بخش خصوصی و فروختن سهام این خط در همین مقطع زمانی عملیاتی شود.

دلیل دغدغه بیشتر شما نسبت به تخریب خط لوله انتقالی در قیاس با سایر مسئولان استان چیست؟

هر چیزی مجرای قانونی برای پیگیری دارد من به عنوان نماینده مردم در مجلس تذکرات ضروری و نامه نگاری های لازم را انجام می دهم تا پیگیر حق و حقوق مردم باشم و اگر این کار را انجام ندهم کوتاهی کرده ام. این بحث باید جدی گرفته شود. از مردم انتظار این نیست که مانند دیگر استان ها به خیابان بیایند و مطالبه گری کنند. مردم یزد نجیب هستند و خود مسئولان باید دنبال درخواست های مردم چه در گذشته، چه در حال و آینده باشند و مطالبات خود را بر مبنای قانون و حقوق مردم یزد انجام دهند.

در این کشور یکسری منابع وجود دارد مثلاً سنگ معدن یزد در استان های دیگر فراوری شده و موجب چرخش اقتصاد آنان می گردد و برخی دیگر استان ها آب دارند و باید تبادل صورت گیرد. درها را بستن و امکانات را تنها برای خود خواستن قابل قبول نیست. یزدی ها همه چیز را برای خود نمی خواهند، فقط آب شرب می خواهند.



اقدامات شما به عنوان نماینده دوره های قبل مجلس برای پیشگیری از بحران کم آبی در استان چه بوده است؟

در زمان نمایندگی بنده برداشت ۳۵۰ میلی متر مکعب آب از سد خرسان مصوب شده بود اما در طی این مدت تنها ۶۰ کیلومتر لوله گذاری شده و در بودجه سال جاری فقط صد میلیارد به بودجه انتقال آب اضافه شده است. در حالی که در دو الی سه سال گذشته فقط دو الی سه میلیارد اعتبار داشته و دولت قبل به این خط لوله و مشکل بی آبی توجهی نداشته و در قانون بودجه برای انتقال ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب فقط دو الی سه میلیارد در نظر گرفته این چه معنایی دارد؟!

در سال ۱۳۹۳ یک تخصیص برای انتقال آب دریای عمان به یزد در نظر گرفته شد و مجری آن هم مؤسسه کوثر بود متأسفانه این قدر در استان تعلل شد که این تخصیص توسط وزارت نیرو باطل شد و دوباره در سال ۹۶ درخواست داده شد که با نصف آن یعنی ۲۵۰ میلیون متر مکعب موافقت شد.

معاون پیشین استانداری یزد در گفتگو با پرگار

استفاده از طرح جامع آب، ما را از بحران پیش آمده خارج می‌کند

مشکلات پیش آمده در حوزه انتقال آب به خاطر سوءمدیریت است



اهمیت و ارزش آب در شهر کویری یزد از دیرباز مورد توجه مردمان و سازندگان قنات‌ها و آب‌انبارها بوده است، مردمانی که مدیریت آب را می‌دانستند و با رفتن به دل زمین، آب را در طولانی‌ترین قنات‌ها جاری ساختند و روانه شهر کردند. مدیریت آب، چیزی که مسئولین کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و در کنارش واژه سوءمدیریت را در خصوص تکنولوژی آب، انتقال آب و کمبود آب با خود به یاد می‌کشند. درگیری‌های پیش آمده طی سال‌ها و علی‌الخصوص ماه‌های اخیر در خصوص خط انتقال آب اصفهان به یزد، موضوع مهم و بحث‌برانگیز این روزهای یزد و اصفهان است.

سمانه ملازینلی



که چرا به ذهنمان خطور می کند که هزینه کنیم و آب بیاوریم، شیرین کنیم تا به خورد صنعت بدهیم. چرا ما باید در مرکز ایران فولاد بسازیم چه اشکالی دارد در همان حاشیه خلیج فارس فولاد بسازیم تا این قدر هزینه انتقال آب ندهیم. مرکز ایران نباید به فکر توسعه صنعت و کارخانه باشد بلکه باید کارخانه های موجود را به سمت کم آبی و به سمت تولید فولاد خشک ارتقاء بدهد.

من مخالف صد درصد توسعه صنعت در اینجا هستم چون ما فقط مشکل آب نداریم مشکل محیط زیست و خاک هم داریم.

نقش صنایع موجود را چقدر در بحث بی آبی مؤثر می دانید؟

صنایع ما نباید به آب آشامیدنی وصل باشند. در کل دنیا کارخانه ها و صنایع وصل شبکه پساب هستند و از آب آشامیدنی استفاده نمی کنند.

در ایران چرا استفاده می کنند چون آب شیرین، فراوان و مجانی در اختیارشان قرار می گیرد و اگر به همین منوال ادامه پیدا کند چند صباحی دیگر محکوم به شکست می شوند. اگر آب قیمت واقعی خودش را بگیرد و رایگان در اختیار صنایع قرار نگیرد می توان امیدوار بود که دیگر از آب شرب استفاده نکنند و به سمت پساب بروند. البته برخی از صنایع مثل چادرملو و فولاد مبارکه وارد این موضوع شدند ولی متأسفانه پساب را جایگزین آب شیرین نکردند بلکه کارشان را توسعه دادند با این کار مصرف آب شربی که استفاده می کردند کم نشده است.

چرا صنایع به اجرای شبکه پساب رو نمی آورد تا مشکل کم آبی نیز برطرف شود؟

یکی از دلایلش را گفتم چون آب شرب رایگان در اختیارشان قرار می گیرد و یکی اینکه اجرای شبکه پساب برایشان هزینه بر است، همچنین پساب قابلیت آب شرب را ندارد پس برایشان مقرون به صرفه نیست و ترجیح می دهند به فکر شبکه پساب نباشند.

توسعه کشاورزی را یکی از دلایل کم آبی و اعتراضات اخیر عنوان کردید، نقش جهاد کشاورزی در اینجا چیست؟

جهاد کشاورزی نقش خیلی پررنگی دارد ولی باید بگویم در

موضوعی که جنگ بر سر آب را به نمایش گذاشت و انگشت اشاره هر دو استان به سمت یکدیگر نشانه گرفته شد. اینکه چرا دو استان وارد این وضعیت بحرانی شد، چگونه می توان از این وضعیت رهایی یافت و چه راهکارها و پیشنهادهاتی می تواند مثمر ثمر باشد را در گفتگوی زیر که با سید محمدرضا سید حسینی معاون پیشین عمرانی استاندار یزد صورت گرفت بخوانید:

مسئله آب در یزد و اصفهان همیشه موضوع بااهمیتی بوده است به نظر شما دلیل اصلی اعتراضات گسترده اخیر در اصفهان چیست؟

مشکل کم آبی دلیل اصلی اعتراضات است. کم آبی که ناشی از توسعه بی رویه صنعت و افزایش سطح کشت بوده است.

در اصفهان کشاورزی را هشتاد درصد توسعه دادند، در کنارش قطب فولاد ایران نامیده می شوند، خب اینها مصرف آب را بالا برده و خشکسالی های اخیر نیز مزید بر علت شده و آب را کم کرده است، کشاورز نیز به علت کم آبی و عدم تولید محصول، معترض می شود.

درگیری بر سر موضوع آب، مربوط به انتقال آب به یزد است یا سهم خواهی صنایع اصفهان از آب انتقالی عمان و خلیج فارس به یزد؟ چون برخی معتقدند پشت اعتراضات کشاورزان، صنایع اصفهان ایستاده است؟

پردازتن به پشت قضیه اعتراض، کار دستگاه امنیتی است و من اطلاعی از آن ندارم. به نظر من آب خلیج فارس محدودیتی ندارد که نخواهند به صنایع بدهند فقط یکسری ضوابط و مسائل زیست محیطی دارد که باید ضمیمه پرونده شان شود همین، ببینید در حوزه خلیج فارس برداشت آب ما خیلی کمتر از کشورهای عربی است.

کشورهای عربی یک میلیارد مترمکعب از خلیج فارس آب برداشت می کنند یعنی ده برابر کشور ما. چون هم تکنولوژی آن را دارند و هم سرمایه گذاری بالایی که نیاز دارد.

البته آن ها چاره ای ندارند ولی ما در ایران راهکارهای دیگری به غیر از انتقال آب از عمان و خلیج فارس را داریم. من متعجبم



نقش خودش بازی نمی‌کند، چون می‌بینیم که هر کس دارد برای خودش کاری در حوزه کشاورزی انجام می‌دهد و جهاد کشاورزی نه اصلاح الگوی کشت ارائه می‌دهد، نه به کشت گلخانه‌ای کمک می‌کند و نه آموزشی را در این خصوص در برنامه خودش قرار داده است.

اگر کشور ما به همین شیوه پیش برود ما در همه استان‌ها شاهد اتفاقاتی خواهیم بود که بین یزد و اصفهان رخ داد، همان طور که در خود اصفهان نیز شاهد بودیم که کشاورز شرق اصفهان از بی‌آبی گله داشت و هیچ آبی برای تولید نداشت اما کشاورز غرب اصفهان برنج کاشته بود. این یعنی اینکه هر کس زورش بیشتر رسیده توانسته آب بیشتری بردارد.

چقدر معتقدید که مشکلات پیش آمده در حوزه انتقال آب به خاطر سوءمدیریت است؟

صد درصد سوءمدیریت است. اگر از من بپرسید چند درصد مشکلات آب به خاطر خشکسالی است می‌گویم ۱۰ درصد و ۹۰ درصد باقیمانده به خاطر سوءمدیریت است، وگرنه مسائل یزد و اصفهان راه حل دارد و می‌توان آن را حل کرد. من با عدد و ارقام به شما خواهیم گفت که گویا باشد. مصرف آب شرب در یزد ۷۰ تا ۹۰ میلیون مترمکعب است

که بسته به تابستان و زمستان متفاوت است. ۵۰ میلیون مترمکعب این آب از اصفهان می‌آید و بقیه از آب چاه‌ها استفاده می‌شود. بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون مترمکعب آب مصرف صنعت یزد است که عمدتاً از چاه‌های خود استان تأمین می‌شود.

حال اگر بیاییم و پساب آب شرب ۶۰ میلیون مترمکعب صنعت یزد را حساب کنیم چیزی حدود ۸۰ درصد پساب را

شامل می‌شود یعنی ۴۸ میلیون مترمکعب پساب خواهیم داشت که می‌توان برای ارتقاء صنعت به کار برد و مصرف آب شرب را کاهش داد. در حوزه کشاورزی نیز اگر ۱۵ درصد صرفه‌جویی کرده و کشت غرقابی را جمع کنیم ۶۰ میلیون مترمکعب معادل یک خط لوله آب از اصفهان به یزد مصرف آب را کاهش داده و بسیاری از مشکلات در این حوزه کم خواهد شد به عبارتی تنها راهکار همین است.

می‌توان سوءمدیریت و مشکلات پیش آمده را به وجود مافیای آب در کشور ربط داد؟ شما تا چه میزان به وجود مافیای آب اعتقاد دارید؟

آب خیلی صنعت پر بازدهی نیست که بخواهد مافیا داشته باشد. پروژه‌های انتقال آب برای پیمانکاران پروژه‌های خوبی است ولی بعید می‌دانم که این وسط کسانی باشند که بخواهند با آب شرب مردم بازی کنند. به نظر من که مافیای آب و این حرف‌ها شعارهایی که می‌خواهند مردم را با آن سرگرم کنند.

در حوزه کشاورزی نیز اگر ۱۵ درصد صرفه‌جویی کرده و کشت غرقابی را جمع کنیم ۶۰ میلیون مترمکعب معادل یک خط لوله آب از اصفهان به یزد مصرف آب را کاهش داده.

در پایان بگویید موضوع انتقال آب و درگیری‌های پیش آمده در چه سطحی باید پیگیری شود از طریق نمایندگان استان، استانداران یا ریاست جمهوری؟

هیچ کدام اینها نباید پا پیش بگذارند، ما باید طرح جامع آب کشور را بر اساس طرح آمایش سرزمین جلو ببریم. اما این کار را نمی‌کنیم، ما حسابداری آب نداریم، نمی‌دانیم چقدر درآمد آبی داریم یا چه مقدار آب از برف و باران به دست می‌آید و چه مقدار مصرف می‌شود و تا طبق طرح جامع آب پیش نرویم این روند در کشور ما ادامه خواهد داشت.

صرفه‌جویی ۳۰ میلیون مترمکعبی آب در کشاورزی یزد

یک قطره آب انتقالی در کشاورزی یزد استفاده نمی‌شود

با وجود تمام حرف و حدیث‌ها درباره مصرف آب انتقالی در کشاورزی یزد و تکذیب چندباره و همیشگی این موضوع از سوی مسئولان این استان و نیز بازدید میدانی برخی نمایندگان و مسئولان در این خصوص، کاهش ۹۳۵ میلیون مترمکعبی آب در ۱۶ سال و کاهش ۳۰ میلیون مترمکعبی آب طی سه سال در این بخش، بیانگر عملکردی کشاورزان این خطه کویر در صرفه‌جویی است.

محمودرضا رحمانی





مدیر طرح و برنامه جهاد کشاورزی استان یزد از برنامه‌های متنوع استان برای کاهش مصرف آب گفته و معتقد است که بر اساس طرح آب قابل برنامه ریزی استان، سهم بخش کشاورزی استان یزد تا سال ۱۴۰۵ طی دو فاز و ارزیابی کارشناسی شده است.

درباره وضعیت آب کشاورزی و شرب استان یزد نماینده مردم یزد، اشکذر و بخش ندوشن در مجلس شورای اسلامی نیز همواره بر استفاده از آب انتقالی برای شرب تأکید کرده است.

محمد صالح جوکار با بیان اینکه آب انتقالی یزد به هیچ عنوان در بخش کشاورزی و گلخانه‌ها مصرف نمی‌شود، اظهار می‌دارد که در استان یزد فلات‌هایی با هزار میله چاه و کانال‌های عرضی بیش از ۱۰۰ کیلومتری برای انتقال آب وجود دارد از این رو، آب انتقالی صرفاً برای شرب مورد استفاده قرار می‌گیرد و آبیاری گلخانه‌ها از آب چاه‌ها و با بهره‌گیری از سیستم‌های نوین آبیاری انجام می‌شود. وی اضافه می‌کند: توسعه گلخانه‌ها در یزد با توجه به مصرف آب بسیار پایین به دلیل بهره‌گیری از سیستم‌های آبیاری نوین از یک سو و استفاده از آب چاه‌هایی که قابل شرب نیست از سوی دیگر منفعتهای بسیاری برای استان یزد که با کم‌آبی و خشکسالی شدید روبرو است دارد و زمینه صرفه‌جویی گسترده در حوزه آب را فراهم می‌کند.

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که شایعاتی مانند استفاده از آب انتقالی در بخش کشاورزی کذب محض است و در این خصوص، چندی پیش یکی از نمایندگان اصفهان نیز به یزد سفر کرده و از تمام شبکه بازدید کرد و در نهایت به عدم استفاده از آب انتقالی در گلخانه‌های یزد یا صنایع کاشی پی برد.

همه مسئولان استان یزد بر این نظر تأکید دارند آب انتقالی از سد زاینده‌رود که همواره کمتر از سهمیه در نظر گرفته شده به یزد تخصیص یافته، تماماً به بحث شرب مردم اختصاص می‌یابد.

+ تمامی آب انتقالی به یزد صرف شرب شده است

در این خصوص استاندار یزد با بیان اینکه سال گذشته ۶۵ میلیون مترمکعب آب شرب از خط لوله انتقالی به یزد منتقل شده است، اظهار داشت: با توجه به اینکه از این خط انتقال سالانه ۹۸ میلی مترمکعب باید به یزد اختصاص پیدا کند، متوسط آب تحویل شده به یزد در طول ۲۰ سال گذشته، ۵۵ میلیون مترمکعب بوده است.

مهران فاطمی با بیان اینکه کل مصرف آب شرب استان ۱۳۷ میلیون مترمکعب و میزان مصرف صنعت ۵۷ میلیون مترمکعب استان است، یادآور می‌شود: یزد پایین‌ترین مصرف آب شرب و بهداشت کشور را دارد.

وی با تأکید بر اینکه تمامی آب انتقالی به یزد صرف شرب شده است، می‌افزاید: چهار میلیون مترمکعب از این آب نیز سال گذشته به روستای ورزنده، پادگان‌ها و نیروگاه‌های در مسیر شرق اصفهان داده شده، ۲ میلیون مترمکعب آب پرت ناشی از تعرض و فرسودگی شبکه بوده و در مجموع سه میلیون مترمکعب با ۱۲ میلیون مترمکعب آب شور تلفیق و به صنعت داده شده است.

استان یزد تبدیل به باغات پسته، گیاهان دارویی گل محمدی و گلخانه ها شده اند.

به گفته وی، در استان یزد ۱۱۲ هزار هکتار اراضی قابل کشت وجود دارد که ۳۲ هزار و ۳۵۴ هکتار (معادل ۲۹ درصد) زراعی و ۷۹ هزار و ۶۴۶ هکتار (معادل ۷۱ درصد) به کشت محصولات باغی و گلخانه ای اختصاص دارد و بخش کشاورزی مربوط به کشت محصولاتی مانند پسته، انار، زعفران، گیاهان دارویی، زرشک و گل محمدی جایگزین کشت های پر آب خواه شده اند. رئیس جهاد کشاورزی استان یزد با بیان اینکه در سال های گذشته ۸۰ درصد سطح زیر کشت استان یزد به محصولات زارعی و ۲۰ درصد هم به محصولات باغات تعلق داشته که در راستای توسعه محصولات کم آب خواه این روند به طور کامل تغییر کرده و ۸۲ هزار هکتار از زمین های کشاورزی به کشت محصولات باغی و ۲۰ هزار هکتار به سطح زیر کشت محصولات زراعی اختصاص یافته است.

و کیلی در عین حال درباره مصرف آب گلخانه ها نیز با بیان اینکه از هنگام شروع برنامه بهینه سازی از سال ۱۳۹۸ در استان یزد، ۳۰ میلیون متر مکعب در مصرف آب کشاورزی صرفه جویی شده است، می گوید که نه تنها آب گلخانه ها از آب انتقالی نیست بلکه ۱۰۰ درصد آب های مورد نیاز گلخانه ها از قنوات و چاه های زیرزمینی که قابلیت شرب ندارند استفاده می شود. این مسئول تأکید می کند که به منظور سوق دادن کشاورزان به تولید محصولات کم آب خواه و توسعه باغداری با کشت محصولات کم آب خواه از ۱۰ سال گذشته تاکنون هیچ حمایتی برای کشت گیاهان پراخوخواه از سوی جهاد کشاورزی صورت نگرفته و حمایت ها این سازمان در زراعت و باغداری به سمت کشت گیاهان کم آب خواه بوده و خواهد بود.

وی در ادامه در خصوص اقدامات جهاد کشاورزی در جهت کاهش کشت محصولات پر آب خواه اظهار می دارد که از سال ۱۳۹۸ تاکنون محصول ذرت

از هشت هزار به ۸۰۰ هکتار و کشت یونجه از سه هزار و ۸۰۰ به ۴۰۰ هکتار و کشت جالیزی در استان یزد بین دو هزار تا ۲۵۰۰ کاهش یافته است.



❖ صرفه جویی ۳۰ میلیون متر مکعبی آب در کشاورزی یزد

با همکاری کشاورزان استان و نیز پیگیری طرح های متعدد توسط سازمان جهاد کشاورزی، تحولات خوبی در صرفه جویی و مصرف بهینه آب در این خطه از کویر که همواره در همه مسائل قناعت پیشه بوده و هستند، افتاده است.



با همکاری کشاورزان استان و نیز پیگیری طرح های متعدد توسط سازمان جهاد کشاورزی، تحولات خوبی در صرفه جویی و مصرف بهینه آب در این خطه از کویر که همواره در همه مسائل قناعت پیشه بوده و هستند، افتاده است.

در این خصوص رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان یزد در گفت و گو با خبرنگار پرگار با بیان اینکه در سال های متمادی با کاهش سطح آب چاه ها سطح زیر کشت این استان به بیش از ۶۰ هزار هکتار کاهش پیدا کرده است، گفت: از هنگام شروع برنامه بهینه سازی از سال ۱۳۹۸ در استان یزد ۳۰ میلیون متر مکعب در مصرف آب کشاورزی صرفه جویی شده است.

سید ابوالفضل و کیلی که تجربه فعالیت در منابع طبیعی و آبخیز داری و کشت

محصولات کم آب خواه در نقاط کویری و ریگی استان را نیز دارد معتقد است که در حال حاضر کشت محصولات پر آب خواه مانند ذرت، یونجه، گیاهان جالیزی و صیفی جات در سطح

کاهش ۹۳۵ میلیون مترمکعبی آب در بخش کشاورزی یزد

مدیر طرح و برنامه جهاد کشاورزی استان یزد از برنامه‌های متنوع استان برای کاهش مصرف آب گفته و معتقد است که بر اساس طرح آب قابل برنامه‌ریزی استان، سهم بخش کشاورزی استان یزد تا سال ۱۴۰۵ طی دو فاز و ارزیابی کارشناسی حدود ۵۴۵ میلیون مترمکعب است و با اعمال برنامه‌های کاهش مصرف و اصلاح الگو، محقق می‌شود. رمضان اسپرس می‌افزاید: نسبت مساحت استان به کشور حدود ۴.۵ میلیون مترمکعب است و ۱.۴ جمعیت کشور و ۰.۸ اراضی کشاورزی کشور را در خود جای داده و این یعنی حدود ۱.۳ تولیدات کشاورزی کشور در یزد قرار دارد.

به گفته وی، طبق آخرین آمار ۹۱۸ میلیون مترمکعب مصرف آب در حوزه‌های مختلف وجود داشته که حدود ۱۸۰ میلیون مترمکعب آن از قنوت و مابقی آن از چاه‌های کشاورزی تأمین می‌شود و تنها ۸.۶ درصد حجم آب مصرفی در بخش کشاورزی دارای تناسب کیفیت بالایی است.

این مسئول با اشاره به برنامه‌های سازمان جهاد کشاورزی یزد در راستای کاهش مصرف سالانه آب در بخش کشاورزی، از کاهش میزان مصرف این بخش از حدود ۱۴۹۵ در سال ۸۳ به ۵۶۰ میلیون مترمکعب در سال گذشته خبر می‌دهد.

مدیر طرح و برنامه جهاد کشاورزی یزد همچنین با اشاره به کاهش برداشت حدود ۱۷۳ میلیون مترمکعب آب از چاه‌های استان و افزایش راندمان آبیاری به میزان ۵۷ درصد تا افق ۱۴۰۵ خاطر نشان می‌کند که افزایش بهره‌وری از منابع تولید، افزایش عملکرد در واحد سطح، حذف محصولات پر آبخواه و جایگزینی محصولات کم آب خواه و دارای مزیت، کاهش اثرات خشکسالی و تقبل آن را از اهداف این سازمان خواند که ذیل ۳ طرح بهینه‌سازی مصرف آب، اصلاح الگوی تولید و آموزش و توانمندسازی بهره‌برداران به اجرا در خواهد آمد.

۲۲ درصد محصولات گلخانه‌ای کشور در استان یزد تولید می‌شود

مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی یزد در گفت‌وگو با پرگار، انتقال کشت به فضای بسته و ایجاد شهر کهای گلخانه‌ای را یکی از اولویت‌های این سازمان دانست که با افزایش تولید حدود ۱۰ برابر همراه بوده و با استفاده از آب‌های باز چرخانی شده و روش‌های آبیاری نوین قابل پیاده‌سازی است. به گفته اکبر شیخعلی شاهی، تا سال ۹۲ در استان یزد تنها ۱۱۶۰ هکتار گلخانه وجود داشته که اکنون به ۱۹۹۸ هکتار رسیده و تنها ۲ درصد از آب برنامه‌ریزی شده استان به این بخش اختصاص یافته است، در حالی که با اشتغال ۱۴ هزار نفر به طور مستقیم، ارزآوری و کاهش مصرف همراه است.

وی با اشاره به تولید ۲۲ درصد محصولات گلخانه‌ای کشور در استان یزد، افزایش کشت گیاهان دارویی، گل محمدی و زعفران و شیوه کشت نشایی را از اولویت‌های کشت گلخانه‌ای استان دانست که با اجرای طرح تأمین تسهیلات ایجاد سایبان‌ها در باغات استان می‌توان تخبیر آب در این بخش را تا ۳۰ درصد کاهش داد. با توجه به اینکه بر اساس آمارها، آورده طبیعی رودخانه زاینده‌رود یک میلیارد و ۱۳۸ میلیون مترمکعب آب اعلام و مجموع نیازهای

آبی تأمین شده از این رودخانه، یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب است بنابراین در حالت طبیعی رودخانه ۱۰۰ میلیون مترمکعب کسری دارد این در حالی است که گفته روح‌الله فتاحی رئیس انجمن هیدرولوژی ایران، حجم انتقال آب در تونل اول و دوم کوهرنگ روند کاهشی داشته و آمارها نشان می‌دهد طی ۲ دهه گذشته میزان انتقال آب کمتر از ۳۰ میلیون مترمکعب بوده است. بر این اساس تنها راهکار مدیریت آب در سد زاینده‌رود و پرهیز از مطرح کردن شایعات بی‌اساس و تهمت به حقایق بران در هر استان، بهتر است علاوه بر مدیریت عطش توسعه و هدایت آن به سمت تولیدات کم آبخواه، پاک و دانش‌بنیان و نیز جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه و پمپاژ آب در بالادست برای آبیاری باغات و تولید بیشتر محصولات پر آبخواه، زمینه تخصیص به موقع سهم حقایق محیط زیست و کشاورزان مدنظر قرار گیرد.

حجم انتقال آب در تونل اول و دوم کوهرنگ روند کاهشی داشته و آمارها نشان می‌دهد طی ۲ دهه گذشته میزان انتقال آب کمتر از ۳۰ میلیون مترمکعب بوده است.






با توجه به ورود بی‌رویه مهاجرین و کمبود آب در استان:

کارد به استخوان یزد رسیده است

جریان مهاجرتی به یزد بدون توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی

سمیه رضایی 

استان یزد با جمعیتی در حدود یک میلیون و دویست هزار نفر و با وجود شهرک‌های صنعتی احاطه شده در اطراف شهر، یکی از ۱۸ کلان‌شهر کشور می‌باشد. این استان با توجه به کارخانجات متعدد موجود در آن به سومین استان مهاجرپذیر کشور بعد از تهران و البرز تبدیل شده است. اما یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مشکل استان یزد مقوله کم‌آبی است، نبودن آب شرب مناسب، کم شدن آب قنات‌ها و چاه‌ها و از دیاد جمعیت در سال‌های اخیر سبب شده تا کم‌آبی در یزد چشمگیر و گسترده‌تر شود به نحوی که در برخی از مناطق استان نبود آب بیداد می‌کند و یزدی‌ها با قطعی آب در ساعاتی از شبانه‌روز روبرو می‌شوند.

البته این رقم ۳۹ هزار نفر، تعداد اتباع خارجی وارد شده به استان را نیز در برمی‌گیرد. برای درک بزرگی رقم جمعیت مهاجران وارد شده به استان، بهتر است تعداد واردشدگان از طریق مهاجرت را با جمعیت شهرستان‌های استان مقایسه کنیم. در سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان خاتم حدود ۳۶ هزار نفر و جمعیت شهرستان تفت حدود ۴۳ هزار نفر بوده است. با این اوصاف می‌توان گفت در دوره پنج‌ساله بین دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، مهاجران وارد شده به استان یزد جمعیتی به اندازه یک شهرستانی مانند شهرستان خاتم یا شهرستان تفت به عدد جمعیت استان یزد (فقط از طریق مهاجرت) اضافه نموده‌اند.

این استاد دانشگاه با اشاره به موضوع کم‌آبی در یزد، می‌افزاید: مسئله آب یزد تنها مسئله مصرف خانگی نیست و باید توجه کنیم حجم قابل توجهی از مصرف آب در بخش صنعت یا کشاورزی استان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حال حاضر، از طرفی حجم جمعیت استان با نرخ رشد سالانه ۲٫۵ درصد در دوره ۹۵-۱۳۹۰ رو به افزایش بوده است. ظرفیت بخش صنعتی و معدنی استان در برخی از صنایع پرآب خواه همچنان فعال و پررونق به فعالیت خود ادامه می‌دهد. بخش کشاورزی در استان نیز با تولیدات پایین و بدون اصلاح روش‌های کشت و آبیاری، کماکان مبتنی بر روش‌های آبیاری سنتی است.

عسکری ندوشن می‌گوید: جریان‌های مهاجرتی باید بر مبنای آمایش سرزمین و ظرفیت‌های اقلیمی و زیست‌بوم مناطق مختلف کشور مدیریت و سیاستگذاری شود. اما در دهه‌های اخیر، جریان‌های مهاجرتی بدون توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی و توانایی جذب و نگهداشت جمعیت اتفاق افتاده است. راهکار مناسب برای کنترل حرکات جمعیت و مهاجرت را نباید در مقصدهای مهاجرت، بلکه باید در مناطق مبدأ مهاجرت جستجو کرد. برنامه‌ریزی برای اجرای این راهکارها، به صورت دستوری امکان‌پذیر نیست لازم است در سطح کلان ملی مورد توجه قرار گیرد و ظرفیت‌های توسعه در مناطق مبدأ مهاجرت‌ها ایجاد شود.

چنانچه توسعه متوازن در کشور مورد توجه قرار بگیرد، به موازات بهبود وضعیت توسعه، از حجم مهاجر فرستی مناطق

در این میان ورود مهاجرین از استان‌های مجاور و شمال و شمال غرب و غرب کشور سبب شده تا جمعیت استان افزایش یابد و بر مشکلات کم‌آبی استان افزوده شود. وجود کارخانه‌های صنعتی، کشاورزی و دامداری در یزد هرچند به میزان کم با توجه به شرایط استان سبب شده تا این شهر در ورطه خشکسالی فرو رود و کمبود آب و حتی نبود آب این استان را در معرض نابودی از نظر زیست‌محیطی قرار دهد.

متأسفانه یکی دیگر از دلایل کمبود آب در یزد نبود بارش‌های مناسب در یزد که سبب می‌شود چشمه‌های آب و ذخیره‌های آب در استان با توجه به مصرف زیاد و بی‌رویه از بین برود.

✚ مهاجرت به اقلیم‌های گوناگون مبتنی بر آمایش

سرزمین

عباس عسکری ندوشن جمعیت‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد علت اصلی مهاجرت به

استان را جاذبه‌های صنعتی و فرهنگی

-اجتماعی استان می‌داند و می‌گوید: در دهه‌های گذشته توسعه صنعتی استان، زمینه جذب مهاجر را به استان فراهم کرده و استان یزد به یک استان صنعتی و توسعه‌یافته و برخوردار تبدیل شده است. همچنین یزد به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز از گذشته تا کنون چهره‌ای مثبت در نزد ایرانیان داشته است. وجود این جاذبه‌ها، سبب شده تا مهاجرین، به ویژه از استان‌های هم‌جوار به یزد

مهاجرت کنند. به طوری که بیشترین مهاجرین به استان یزد، به ترتیب از استان‌های فارس، کرمان، اصفهان، تهران، سیستان و بلوچستان، خوزستان و خراسان رضوی راهی یزد شده‌اند. مهاجران خارج شده از یزد نیز به ترتیب به سمت استان تهران، فارس، اصفهان، کرمان و خراسان رضوی روانه شده‌اند و در این استان‌ها اقامت گزیده‌اند.

عسکری می‌افزاید: بر اساس آمارهای موجود، در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، حدود شصت هزار مهاجر به استان وارد شدند و بیست و سه هزار و پانصد نفر هم از استان خارج شدند. تفاضل این تعداد وارد شدگان و خارج‌شدگان از استان یزد، موجب افزوده شدن حدود ۳۹ هزار نفر جمعیت به استان یزد از کانال مهاجرت به استان یزد در طول این دوره پنج‌ساله بوده است.

**جریان‌های مهاجرتی
باید بر مبنای آمایش
سرزمین و ظرفیت‌های
اقلیمی و زیست‌بوم
مناطق مختلف کشور
مدیریت و سیاستگذاری
شود**





می کنند و به کلان شهرها می روند اما متأسفانه این مهاجرت بی رویه به استان های مهاجر پذیر همراه با درسهای فراوانی است که می توان به کمبود آب اشاره کرد، زندگی در شهر به سبب حضور و مصرف آب خانگی، مصرف آب در صنایع به دلیل اشتغال زایی، فعالیت های ماشین های صنعتی و خودروهای شخصی همه دلیل بر مصرف بیشتر آب و آلودگی هوای می شوند.

وی می گوید: یکی دیگر از معضلات مهاجرت در استان مهاجرت بی رویه روستاییان به شهر است، نبود بارش های مناسب در فصول مختلف سال و تأمین نشدن آب برای کشاورزان و دامداران در روستاهای استان و خشک شدن زمین های کشاورزی و تلفات دامی سبب شده تا روستاییان به شهرها مهاجرت کنند. این فعال اجتماعی می افزاید:

مهاجرت به شهرها نه تنها مشکلات آب و آلودگی هوا ایجاد می کند بلکه با توجه به نداشتن عرق نسبت به شهر مهاجر پذیر نبود پیوستگی اجتماعی بین افراد حاضر در آن جامعه و ساختار غیر بومی به وجود آمده، مسئله بزهکاری هم صورت

محروم و کم بر خور دار کاسته خواهد شد. با توجه به مقوله کم آبی در استان و بُعد مهاجر پذیری آن، باید ابعاد بحران آب در یزد از منظر عرضه و تقاضا مورد بررسی قرار گیرد و با ارائه آمار دقیق به سیاستگذاران امر، میزان جذب مهاجر در استان با برنامه ریزی دقیق تری قدم برداشت تا بحران آب در استان جدی تر نشود.

زندگی در شهر به سبب حضور و مصرف آب خانگی، مصرف آب در صنایع به دلیل اشتغال زایی، فعالیت های ماشین های صنعتی و خودروهای شخصی همه دلیل بر مصرف بیشتر آب و آلودگی هوا می شوند.



❖ ورود مهاجرین به یزد و توسعه نامتوازن این استان

فردین نمیرانیان کارشناس ارشد علوم اجتماعی و فعال اجتماعی با اشاره به ورود مهاجرین به شهر و توسعه نامتوازن و غیراستاندارد در این استان می گوید: یزد به لحاظ زیست محیطی و وجودش در دل کویر از آب و هوای مناسبی با توجه به وجود جمعیت بالا، شهرک های صنعتی بر خور دار نیست، مشاغل پر آب

و جمعیت سبب شده تا کم آبی بسیار چشمگیر و یکی از اساسی ترین و اصلی ترین معضل زیست بوم محیطی را ایجاد کند. این کارشناس ارشد علوم اجتماعی می گوید: مردم از جاهایی که شغل و اشتغال زایی کمتری وجود دارد مهاجرت

به‌خاطر وجود بافت تاریخی و کویری بودن این شهر، صنعت توریسم را در این استان ارتقا بخشید.

نمیرانیان وجود کارخانه‌های صنعتی را دلیل واحد آلودگی و کمبود آب در استان نمی‌داند و اشاره می‌کند: اگر مشاغل صنعتی وجود نداشته باشند تأمین معاش برای مردم آن استان بسیار سخت خواهد و بلکه باید برای این موضوع جایگزین‌های دیگری که مناسب با زیست‌بوم استان می‌باشد به وجود آورد.

وی اشاره می‌کند: یزد به عنوان یکی از قطب‌های پزشکی در کشور می‌تواند در رابطه با توریست پزشکی و جذب در این خصوص فعالیت کند. یکی دیگر از مشاغلی که می‌توان به آن پرداخت جذب توریست

گردشگری است که نه تنها از کشور بلکه از سایر کشورهای دنیا این مهم صورت گیرد که با توجه به اقامت کوتاه در یزد مسئله کمبود آب به معضل بزرگی تبدیل نشود.

❖ معضل کمبود آب، دردی کهنه و قدیمی

این فعال اجتماعی می‌گوید: مسئله

مهم استان در حال حاضر آب و کمبود آن است و این مهم یکی دوروزه به وجود نیامده بلکه سالیان سال است که از بی‌آبی و کمبود آب در استان رنج می‌بریم و در حال حاضر کارد به استخوان یزد رسیده است که متأسفانه اتفاقات ناخوشایندی در میان مردم کشور و استان‌های هم‌جوار در حال وقوع است که این مقوله از منظر جامعه‌شناسی مشکلات و آسیب‌های متعدد شهری بسیاری را به وجود می‌آورد و باعث ایجاد تنش در میان مردم می‌شود، مسئولین باید با نگاه مدبرانه و برنامه‌ریزی بلندمدت و با اخذ تصمیمات درست بتوانند مشکل را از ریشه و به صورت همیشگی حل کنند.

وی در پایان با اشاره به مطالبه‌گری مردم استان از مسئولین استانداری و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی می‌افزاید: اگر یکسری سیاست‌های موجود در جامعه درست اجرا شود و پیگیری از سوی مسئولان به صورت پیوسته و پی‌درپی اتفاق بیفتد مشکلات استان که یکی از مهم‌ترین آنها مسئله آب است کمرنگ‌تر خواهد شد.

می‌گیرد که یکی دیگر از دلایل توسعه نامتوازن در یک جامعه شهری می‌باشد.

❖ مهاجرپذیری و نبود نظارت در کنترل ورود بی‌رویه افراد به استان

نمیرانیان می‌گوید: در استانی همانند یزد با توجه به مقوله مهاجرت به آن، باید زیرساخت‌ها مناسب باشد، مقوله زیست‌محیطی تأمین باشد و فقط به‌خاطر اینکه یک استان از نظر اشتغال‌زایی و صنعتی در کشور جایگاه مناسبی دارد اما امکانات زیست‌محیطی خوبی ندارد و با مشکلات عدیده‌ای چون کمبود آب و آلودگی هوا رنج می‌برد انتخاب مهاجرت‌کننده نباشد.

وی با اشاره به پیوند سست بین کسانی که به عنوان مهاجرین شغلی به یزد آمدند و ساکنان بومی این استان می‌افزاید: پیوند روابط در جامعه شهری یزد در حال کمرنگ شدن است، همسایه‌ها آشنایی مناسبی با یکدیگر ندارند در زمان بروز اتفاقات و مشکلات یاری‌رسان به مشابه قبل نیستند نبود پیوستگی اجتماعی سبب می‌شود در صرفه‌جویی آب و سایر امکانات

موجودی که در دسترس افراد قرار دارد وجود نداشته باشد. وی می‌گوید: یکی دیگر از معضلات مهاجرپذیری افراد در استان وجود مهاجرین فصلی است که با توجه به حضورشان در فصل‌های سرد سال و نبود کشاورزی در محل مورد سکونت خود آمار دقیقی از آنها در دسترس نیست آن چنان که آنها فقط در نیمه دوم سال به استان یزد سفر می‌کنند تا بتوانند در کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی مشغول کار شوند که این سبب می‌شود دلسوزی جمعی برای درست مصرف کردن آب و سایر انرژی‌های موجود در جامعه کمتر و یا حتی از بین برود.

کارشناس ارشد علوم اجتماعی با بیان اینکه تنها ایجاد شغل از طریق شهرک‌ها و شرکت‌های صنعتی میسر نمی‌شود؛ می‌افزاید: مسئولین امر باید در نظر داشته باشند استان یزد از دیرباز تا کنون، همیشه از نبود و کمبود آب رنج می‌برده است اما با توجه به وجود خاک مناسب برای تولید کاشی و سرامیک و کارخانجات صنعتی موجود در آن به یکی از قطب‌های صنعتی در کشور پدید آمده است ولی می‌تواند

مسئله مهم استان در حال حاضر آب و کمبود آن است و این مهم یکی دوروزه به وجود نیامده بلکه سالیان سال است که از بی‌آبی و کمبود آب در استان رنج می‌بریم.

استانداران سابق یزد می گویند؛

داستان خط انتقال آب؛ فرازها و فرودها

پروژه انتقال آب در دولت دوم آقای هاشمی کلنگ زنی شد

ایران مرکزی در شرایطی قرار دارد که فقط با مدیریت مصرف قادر به تأمین آب مورد نیاز خود نخواهد بود و لازم است در کنار این روش ها، روش های پایدار تری نیز برای تأمین آب خود برنامه ریزی کند. انتقال آب، از نوع برون حوزه های و درون حوزه های راهکاری بوده که این سال ها در کنار مدیریت درست مصرف مورد توجه بوده است. ایران در حال حاضر و حتی در آینده با کمبود آب، انواع آلودگی ها و کاهش کیفیت آب مواجه است؛ بنابراین انتقال آب به ویژه به ایران مرکزی یک ضرورت به شمار می آید. این جملات حاصل دیدگاه صاحب نظران حوزه آب استان است و همچنین این موضوع که باید انتقال بین حوزه های یا بین شهرستانی را در درازمدت محدود یا حذف کرد؛ چراکه ایران به طور کلی کم آب است.

مریم بهرامی



تأمین آب وظیفه حاکمیت است. همین وظیفه بوده که هم‌زمان با تکاپوهای منطقه‌ای بر سر تأمین آب شرب و بهداشت، اصطلاح «جنگ آب» را ملموس‌تر کرده است. جنگ آب در ایران مرکزی دور از انتظار نبود؛ به طوری که پس از انتقال آب به یزد تعارض‌هایی به اسم کشاورزان اصفهانی به خط لوله آب صورت گرفت و تا سال ۱۴۰۰ بیش از چهل بار تکرار شد.

اولین تعارض به خط انتقال آب در سال ۹۱ اتفاق افتاد. اینکه آن زمان چه اتفاقی افتاد که صدای کشاورزان و جامعه محلی اصفهان درآمد و اینکه استان برای حفظ امنیت خط انتقالی چه راهکارهایی اندیشید و یا چه تعاملاتی برای جلوگیری از تکرار این اتفاقات صورت گرفت در زاویه نگاه گزارش است.

غلامعلی سفید و محمدعلی طالبی دو فردی هستند که در زمان مسئولیت آنها مباحث مربوط به آب انتقالی فراگیر بود. در دوره استانداری سفید از آب انتقالی به یزد بهره‌برداری شد و در زمان حضور طالبی در پست معاونت سیاسی و استانداری نیز بیشترین تعارض به خط انتقال آب صورت گرفت.

✚ تاریخچه انتقال آب

غلامعلی سفید، استاندار یزد در دولت دوم هاشمی رفسنجانی و دولت اول سید محمد خاتمی است. وی هشت سال سکان استانداری یزد را بر عهده داشت. به گفته او،

مسئله انتقال آب به یزد دو سال بعد از انقلاب، زمانی که مرحوم قندهاری استاندار یزد بودند مطرح شد و قرار بر این بود که از پول تخصیصی یک روز نفت استان‌ها به نفع تأمین آب شرب استان استفاده شود. او می‌افزاید: آقای هاشمی علاقه‌مند بودند آب هر چه زودتر به فلات مرکزی ایران برسد. حرف ایشان این بود که دولت این کار را در صورتی شروع می‌کند که مردم نصف هزینه‌ها را تقبل کنند. مرحوم حمیدیا که قبل از من استاندار یزد بودند این قرارداد را امضا کردند. البته جریان طوری پیش رفت که هزینه‌ها بسیار زیادتر شد و به ۱۰ برابر مبلغ پیش‌بینی شده، رسید. آن زمان مؤسسه کوثر ایجاد شد تا بخش مردمی هزینه انتقال آب را تأمین کند و در نهایت اعتبار استانی به مبلغی حدود سه برابر آنچه تعهد شده بود، افزایش یافت. بخش‌های مختلف سعی کردند تعهدات را انجام دهند. این پروژه نسبت به دیگر پروژه‌ها زودتر تأمین اعتبار شد و بستر کار با جدیت وزارت نیروی وقت و یکدستی مسئولان فراهم شد. چالش مهم آن زمان بحث تعهدات مردمی و صنایع بود که به خوبی محقق شد.

طبق توضیحات استاندار سال‌های ۷۲ تا ۸۰ یزد، ابتدا انتقال آب از شهرستان هرات به یزد مدنظر بود که در این مورد مرحوم شهید صدوقی نماینده‌ای تعیین کردند و تصمیم گرفته شد از این طریق آب به یزد آورده شود اما این پروژه پس از طی برخی مراحل، به دلیل وجود تردیدها متوقف شد. پس از آن ایده انتقال آب از بیرون حوزه استان یعنی سرچشمه‌های کارون و آب‌های چهارمحال و بختیاری مطرح شد. ابتدا نظرانی در مورد انتقال از محدوده بروجرد در استان چهارمحال و بختیاری که ربطی به اصفهان و تونل کوهرنگ نداشت، بیان شد.

سفید می‌گوید: این موضوعات زمانی که بنده سرپرست استانداری چهارمحال و بختیاری و آقای محمدرضا ناصری امام جمعه آنجا بودند یعنی در زمان نخست‌وزیری آقای موسوی بسیار جدی بود اما بعدها که این موضوع کنسل شد سخنگویان استان اعم از نمایندگان، امام جمعه و استاندار در دفتر مرحوم آقای هاشمی، رئیس‌جمهور وقت جمع شدند و آنجا تصمیم گرفته شد که آب به یزد بیاید. آن زمان برداشت آب از کارون و زاینده‌رود به علت سرعت بالای عملیات اجرایی مطرح بود.

وی ادامه می‌دهد: استاندار وقت یزد و مرحوم آیت‌الله خاتمی که امام جمعه وقت یزد بودند با سفر به اصفهان در جلسه‌ای





سفید، در پاسخ به اینکه در این سال‌ها چه اتفاقی افتاد که منجر به بروز اعتراضات گسترده شد، افزود: در طول سال‌های بهره‌برداری کشور دچار خشکسالی شد. ریزش باران کم و منابع تولید آب دچار مشکل شد. همچنین مصرف آب به خاطر صنایع استقراری و نوع کار کشاورزی افزایش یافت. در نتیجه این میزان آب دیگر پاسخگوی نیازها نبود. از این رو، چالش‌های بعدی ما به این سمت رفت که بالادست از حقایق خود سخن می‌گفت و بابت

انتقال آن به دیگر مناطق اعتراض کرد؛ این در حالی است که قطعاً حتی اگر این آب منتقل نشود نیز مشکل کشاورزی اصفهان حل نخواهد شد زیرا مصرف آب در حوزه کشاورزی، نوع آبیاری، نوع گونه‌های کشت شده و... مناسب منطقه نیست و باید در این موارد چاره‌ای اندیشید.

✦ ۴۰ بار تعارض

محمدعلی طالبی، استاندار یزد در دوره دوم دولت حسن روحانی است. وی که

سه سال سکان استانداری و پنج سال معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری یزد را بر عهده داشته، درباره چالش‌های استان در حوزه آب این گونه می‌گوید: استان یزد همواره با

حضور یافتند که در آن جلسه صورت‌جلسه‌ای تنظیم شد مبنی بر اینکه دو استان بر انتقال آب توافق کرده و برای به سرانجام رسیدنش قول همکاری می‌دهند. این سند هم‌اکنون در استانداری موجود است. آن روز هیچ‌کس علیه این کار صحبت نکرد و این کار با اتفاق آرای نخبگان کشوری و مقامات کشور انجام شد. این پروژه در دولت دوم آقای هاشمی کلنگ‌زنی شد و در سال دوم دولت آقای خاتمی به نتیجه رسید.

✦ اولین تنش

به گفته سفید، بحث انتقال آب در داخل استان بدون تنش نبود. برای نمونه، مسئله‌ای در روز افتتاح عملیات انتقال آب اتفاق افتاد که باعث شد بنده جلسه افتتاح را ترک کنم. آن مسئله مربوط به اعتراض مالکان زمین‌هایی که منبع انتقال آب در آنجا ساخته شده بود، می‌شد. اعتراضات آن زمان در داخل استان بود و هیچگاه اعتراضی

مبنی بر مخالفت با انتقال آب به یزد از سوی اصفهان مطرح نشد؛ حتی امام‌جمعه و استاندار اصفهان در صورت جلسه‌ای قصد تأمین کمک‌های مالی داشتند.

استان یزد همواره با مشکلات زیادی به جهت تأمین آب شرب از منابع زیرزمینی مواجه بوده و به همین دلیل بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تأمین آب شرب آن پروژه انتقال آبی بود.

یزد دامن می‌زد. به‌خاطر دارم مستندی ساخته شد از سوی صداوسیما که در مصاحبه با مردم گفته می‌شد لوله‌های آب انتقالی یزد به‌گونه‌ای است که خودرو هم در آن وارد می‌شود و یا اینکه مردم یزد از آب انتقالی در گلخانه‌ها استفاده می‌کنند. این شایعات مقداری جو نامساعد در اصفهان ایجاد کرد و در نهایت موجب شد سال ۹۱ شاهد اعتراضات و تعرض بزرگ به خط انتقال آب به یزد شویم که به مدت یک هفته آب انتقالی به یزد قطع بود و مردم از آب‌های تانکر و همچنین آب معدنی برای مصارف خود استفاده می‌کردند.

❖ سهم یزد

طالبی در پاسخ به اینکه سهم آب انتقالی یزد در مشکلات فعلی زاینده‌رود چقدر است، می‌گوید: زمانی

که این آب برای یزد مصوب شد و پروژه به بهره‌برداری رسید عملاً میزان آبی که برای یزد تخصیص داده شد در مقایسه با آورد رودخانه زاینده‌رود بسیار ناچیز بود. در طول این سال‌ها تنها پنج درصد خروجی سد زاینده‌رود به‌عنوان آب شرب و بهداشت یزد استفاده شد و طبیعتاً این میزان در مقایسه با سایر مصارفی که در حوزه زاینده‌رود وجود دارد، از جمله کشاورزی غرب و شرق اصفهان، کشاورزی استان شهرکرد، سهم آب شرب استان‌های اصفهان و شهرکرد و سهم صنعت در استان اصفهان، رقم بسیار ناچیزی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توانیم بگوییم پروژه انتقال آب به یزد عملاً در مشکلات فعلی زاینده‌رود نقشی نداشته و حتی اگر فرض کنیم این آب به یزد نیاید نیز هیچ مشکلی از کشاورزان شرق اصفهان حل نخواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت کاهش بارندگی‌ها و تأثیر خشکسالی بر حجم آب سد زاینده‌رود باعث شکل‌گیری اعتراضات کشاورزان شد که این اعتراضات هم ناشی از تأثیر خشکسالی‌ها بر معیشت کشاورزان شرق اصفهان شده بود. البته به نکته دیگری نیز در مورد گسترش اراضی کشاورزی و سطح زیر کشت در استان چهارمحال و بختیاری در دولت احمدی‌نژاد باید اشاره کرد. رئیس‌جمهور وقت به‌صراحت گفتند استان چهارمحال و بختیاری می‌تواند به هر میزان

مشکلات زیادی به جهت تأمین آب شرب از منابع زیرزمینی مواجه بوده و به همین دلیل بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای تأمین آب شرب آن پروژه انتقال آبی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب در دستور کار قرار گرفت و در دولت‌های مختلف پیگیری شد و نهایتاً در دولت آقای خاتمی به بهره‌برداری



زمانی که این آب برای یزد مصوب شد و پروژه به بهره‌برداری رسید عملاً میزان آبی که برای یزد تخصیص داده شد در مقایسه با آورد رودخانه زاینده‌رود بسیار ناچیز بود.

رسید. طالبی با بیان اینکه بعد از اجرای خط لوله انتقال آب به یزد تا سال‌ها هیچ‌گونه تعرضی به خط لوله شاهد نبودیم، در مورد عامل ۴۰ بار تعارض به لوله انتقال آب اظهار می‌کند: اوایل آب پشت سد، کفاف کشاورزی شرق و غرب اصفهان را می‌داد و بخشی از آب هم وارد باتلاق گاوخونی می‌شد که در حقیقت بخش عمده نیاز محیط‌زیست استان اصفهان و همچنین تأمین‌کننده بخشی از سفره‌های آب زیرزمینی

استان یزد بود. اما از اواخر دهه هشتاد و سال‌های ۹۰ و ۹۱ شاهد کاهش بارندگی‌ها و به تدریج کاهش حجم آب ذخیره شده در پشت سد زاینده‌رود بودیم که با این وجود طبیعتاً دولت نمی‌توانست به میزان گذشته آب را در اختیار کشاورزان قرار دهد و از این جهت زرمه‌هایی از مخالفت و اعتراض بین کشاورزان و محافل مختلف شنیده شد. او ادامه می‌دهد: در این مقطع، برخی شایعات به حجم مخالفت‌ها نسبت به آب انتقالی



مردم استان مجبور هستیم همه تلاش خود را بر برقراری جریان این خط داشته باشیم و این باید به عنوان اولویت اساسی مدنظر مسئولان استان باشد کما اینکه همین گونه هم هست و همه مدیران استان با حساسیت مناسب و پیگیری جدی به دنبال این هستند که نیاز استان در زمینه آب شرب و بهداشت از طریق این خط تأمین شود. رایزنی با مقامات اصفهان و همچنین پیگیری های جدی با مسئولین در مرکز، چه وزارت کشور و چه وزارت نیرو و چه مسئولان حوزه ریاست جمهوری نیز می تواند به استان کمک کند. نظام و مسئولان باید کمک کنند که امنیت خط انتقال آب به یزد به نحو قابل قبولی تأمین شود. استفاده از ظرفیت های مختلف در این راستا یعنی نمایندگان مجلس، می تواند کمک کننده باشد.

✦ برنامه های پیش رو

اکنون و در پاییز ۱۴۰۰ برنامه ریزی در سه افق برای چهار استان یزد، اصفهان چهارم حال و بختیاری و خوزستان از سوی وزارت نیرو در نظر گرفته شده. در افق کوتاه مدت بحث ارتقای تاب آوری آب شرب استان و به هم نخوردن پایداری آب شرب مدنظر است. در افق میان مدت عملیاتی کردن خط دوم آبرسانی به یزد و در افق بلندمدت انتقال آب از دریای عمان برنامه ریزی شده است. مدیریت مصرف در بخش های صنعت، کشاورزی و شرب برنامه مهم وزارت نیرو است که موجب صرفه جویی ۳۵ درصد آب در بخش کشاورزی، ۱۰ درصد در بخش صنعت و معدن و ۱۰ درصد در بخش شرب می شود و امید است تا سال ۱۴۰۵ محقق شود.

اینها در حالی است که به تازگی مقامات کشوری از موافقت با بهره مندی استان اصفهان از آب انتقالی خلیج فارس خبر داده اند و به نظر می رسد پس از این تصمیم، جنگ آب و تنش ها بر سر استفاده از آب رودخانه روی دیگر به خود بگیرد.

که بخواهد از این آب برای کشاورزی استفاده کند. در نتیجه شاهد این موضوع بودیم که حجم زیادی از آب به سمت توسعه کشت در این استان رفت. کارشناسان بسیاری این تصمیم دولت و شخص رئیس جمهور وقت را از نظر کارشناسی زیر سؤال بردند. لازم به ذکر است که این موضوع نیز در بحث اعتراضات در مورد خط انتقال آب مؤثر بود.

✦ تعاملات و برقراری امنیت


طالبی در این باره که در هشت سال گذشته چه اقداماتی برای برقراری امنیت خط انتقال آب یزد انجام گرفت، با بیان اینکه اساساً با امنیتی شدن مباحث مربوط به انتقال آب مخالف است، بیان کرد: اقدامات زیادی در مورد امنیت خط انتقال آب به یزد صورت گرفت. در بعد اقدامات فیزیکی، در حوزه پدافند غیرعامل امنیت خط را بالا بردیم. نقاط آسیب پذیر شناسایی و اقداماتی برای استحکام بخشی به تأسیسات انتقال آب انجام شد. در بحث خط انتقال برق ایستگاه های پمپاژ و در رابطه با حوضچه های خط انتقال آب و ایستگاه های پمپاژ نیز اقدامات پدافندی با صرف هزینه های سنگین انجام گرفت تا از تعرض هایی که در گذشته با حضور چند نفر محدود و با کمترین امکانات صورت می گرفت، ممانعت شود. در کنار این اقدامات، تعاملاتی با استان اصفهان داشتیم. طی جلسات مشترک، هماهنگی هایی بین دستگاه های مختلف اطلاعاتی و انتظامی دو استان صورت گرفت و مصوباتی از شورای امنیتی کشور گرفته شد که این مصوبات توانست در مقاطعی به حفظ امنیت خط انتقال آب کمک کند.

در رابطه با تداوم خط انتقال آب شرب به یزد که مورد اعتراض و شکایت حقوقی کشاورزان اصفهان قرار گرفته بود هم اقدامات حقوقی صورت گرفت که به نوعی منجر به تثبیت حق استان یزد برای انتقال آب شد. به گفته استاندار یزد در سال های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، با توجه به وابستگی شدید یزد به خط انتقال آب شرب از اصفهان برای تأمین نیازهای

در افق میان مدت
عملیاتی کردن خط دوم
آبرسانی به یزد و در افق
بلندمدت انتقال آب از
دریای عمان برنامه ریزی
شده است.

درباره حقابه؛

همه محق هستیم

 سیدعلیرضا طباطبایی 

آب رکن اصلی حیات تمامی ماست. صحبت کردن درباره آن، مذاکره درباره حیات خودمان است. هیچ زبانی در برابر حیات خودش منعطف نیست و با تساهل برخورد نمی‌کند. استفاده از آب قابل شرب برای حفظ کرامت و تداوم زندگی هر تمدنی لازم است. آب چون به زندگی بشر بافته شده ناگزیر از تعاملات انسانی نیست. حمورابی حدود ۳۸۰۰ سال پیش در قانون معروف خودش حرف از مدیریت آب و مسائل مربوط به آن را زد. سازمان ملل متحد برای آب دولت‌ها را ملزم به دسترسی شهروندان به میزان کافی آب آشامیدنی سالم، جهت مصارف شخصی و خانگی یعنی آب برای آشامیدن، بهداشت شخصی، شست‌وشوی لباس‌ها، پخت‌وپز و آب لازم برای حفظ بهداشت فردی و خانه کرده است.

در منازعات اخیر بر سر آب و تعرض به خط لوله آب یزد، کشاورزان معترض حرف از حقابه خود می‌زدند. "بیش از ۲۰ سال است که درگیر گرفتن حقابه خودمان هستیم. به‌عنوان آب شرب، آب کشاورزی و حقابه کشاورزان اصفهانی را به صنعت یزد می‌دهند. دهخدا برای تعریف حقابه این‌گونه می‌نویسد: «سهام مشروع و مقرر دهی یا مزرعه‌ای یا باغی یا خانه‌ای یا کسی از آب رود یا چشمه یا قنات در ساعات و به‌اندازه معلوم». منظور از این حقابه مورد بحث کشاورزان معترض به خط آب، آب تونل شماره یک کوهرنگ است. خرید حقابه تونل طبق شنیده‌ها برمی‌گردد به اوایل دهه سی هجری که دولت پیش از انقلاب حقابه تونل یک را به کشاورزان فروخت و کشاورزان متنعم از آب کوهرنگ شدند. سعیده غالبی و کیل پایه یک درباره حقابه تونل یک به خبرنگار پرگار گفت: تا قبل از تصویب قانون ملی شدن مصوب ۱۳۴۷ آب نیز همچون سایر اموال قابلیت تملک داشته است. صرف نظر از اینکه کشاورزان اصفهان حقابه تونل یک کوهرنگ را خریده‌اند یا از چه فردی خریده‌اند؟ بایستی عرض کنم که مطابق با قوانین حاکم قبل از سال ۱۳۴۷ امکان خرید و فروش حقابه وجود داشته است. لیکن قوانین بعدی محدودیت‌هایی را در این خصوص ایجاد کرد. در تابستان گرم تیرماه سال ۱۳۴۷ مجلس سنا قانون مالکیت عمومی و ملی آب را مشتمل بر شصت و شش ماده و سی و پنج تبصره به تصویب رسانید.



اول را برای سیاستگذاران داشته و در این زمان تأمین آب برای توسعه کشاورزی نسبت به توسعه صنعت از اولویت بالاتری برخوردار بوده است. به طوری که در آئین نامه اجرایی نحوه صدور پروانه مصرف معقول موضوع ماده ۱۸ قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۶۳ اولویت پروانه های مصرف معقول با رعایت حق تقدم به ترتیب برای مصارف زیر ذکر شده است: ۱ آب مشروب ۲ آب باغ های موجود در تاریخ تصویب این آئین نامه (درختان شمر و صنعتی) ۳ آب زراعتی و دامپروری ۴ آب مصارف صنعتی ۵ سایر مصارف. در این اولویت بندی قانون، اولویت را به

شرب سپس به کشاورزی و در نهایت به صنعت داده است. اگر حتی از کشاورزان برخوردار از حوزه آبریز زاینده رود ضایع شده، انگشت اتهام را باید به سمت صنایع برد نه آب انتقالی به یزد زیرا خود قانون اولویت برداشت را از آب ابتدا به شرب داده است سپس به کشاورزی. متهمان اصلی این تنش های اجتماعی نداشتن نگاه ملی برای آب که باعث توسعه نامتوازن صنعتی در کنار کشاورزی سنتی شده است.

در پایان سعیده غالبی به این نکته اشاره کرد: "نکته مهمی که بایستی مدنظر قرار داد این است که معمولاً در موارد تعارض میان منافع با برتری یکی بر دیگری باتکیه بر اصل حزم و احتیاط تصمیم گیری شود. در موضوع مورد بحث نیز بین دو ضرورت تعارض وجود دارد آب شرب شهرهای استان یزد و آب کشاورزی، حاکمیت تشخیص داده است که در تعارض دو ضرورت مذکور اولویت را به آب شرب شهری بدهد. این تصمیم هم از حیث سیاسی هم از حیث حقوقی قابل دفاع است و خدشهای به آن وارد نیست ضمن اینکه تاکید بنده بر حل مشکل کشاورزان محترم است که یکی از راه حل های جایگزین کردن کشت های کم آب بر پیاده سازی الگوی کشت جدید با الگوهای کشت سنتی است."



اجازه دسترسی به آب طبق قانون با مجوز وزارتخانه صادر خواهد شد و هیچ استانی نمی تواند مواهب خدادادی را چون بر جغرافیا استان قرار گرفته، تحت مالکیت آورد.

در ماده اول این قانون به صراحت آمده است "کلیه آب های جاری در رودخانه ها و انهار طبیعی و دره ها و جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و همچنین سیلاب ها و فاضلاب ها و زه آب ها دریاچه ها و مرداب ها و برکه های طبیعی و چشمه سارها و آب های معدنی و منابع آب های زیرزمینی ثروت ملی محسوب و متعلق به عموم است و مسئولیت حفظ و بهره برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول می شود."

بعد از صدور این قانون برای اشخاص دیگر نمی توان حقی

بر آب قائل شد، افراد حقیقی یا پروانه مصرف مفید یا اجازه برداشت آب دارند. بر نظر شریعت مقدس آب جزو انفال است و به همه مردم تعلق دارد. اجازه دسترسی به آب طبق قانون با مجوز وزارتخانه صادر خواهد شد و هیچ استانی نمی تواند مواهب خدادادی را چون بر جغرافیا استان قرار گرفته تحت مالکیت آورد.

غالبی در خصوص قوانین حقوقی بعد از انقلاب نیز تصریح کرد: بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انفال و ثروت های عمومی، رودخانه ها و سایر آب های عمومی هم به تصریح این اصل، یکی از این قبیل اموال است که در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفته است و طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل می نماید؛ بنابراین با توجه به تشخیص حکومت مبنی بر اینکه بخشی از آب کوهرنگ برای کمبود کم آبی استان یزد مصرف شود، کاملاً طبق اختیارات این اصل از قانون اساسی است و اساساً تعیین اولویت های مصرف آب در کشور با دولت است و هیچ مرجعی بهتر از دولت نمی تواند مصالح عامه را در این زمینه تشخیص دهد. از طرفی همیشه اولویت برای مصرف آب، مورد بحث بوده است. از زمان تصویب قانون توزیع عادلانه آب، مصارف شرب اولویت

جنگ آب بزرگ‌ترین

تاوان غفلت ایرانیان از تاریخ؛

از آناهیتا تا «ماء»

فاطمه رهبر



کمبود آب در ایران مشکل یک سال و دو سال نیست، ما قرن‌هاست که به دلیل اقلیم و موقعیت جغرافیایی کشورمان با کمبود آب و بحران‌های متعدد خشکسالی دست و پنجه نرم می‌کنیم اما چرا امروز این مشکل بیش‌تر از قبل نمود پیدا کرده و صدای فریاد «آب نیست» و «ایران آب ندارد» از هر گوشه و کنار ایران بلندتر از همیشه به گوش می‌رسد؟



▲ سردیس آناهیتا و دست چپ او / تاریخ ساخت حدود ۴۰۰ قبل از میلاد / بریتیش میوزیوم



انبارهای اولیه ذخیره آب از گودال‌هایی که در آن آب را گرد می‌آوردند، تشکیل می‌شد و با پیشرفت تمدن این روشهای ذخیره آب نیز تکامل یافت.

و مصرف آن وجود داشته است که البته این مقوله بسیار گسترده‌تر از توصیفات چند کلمه‌ای است اما رجوع و مطالعه در مورد آن می‌تواند نشان دهد که ما در گذشته تا چه میزان برای حفظ و مدیریت منابع خود کوشیده‌ایم اما امروزه دانش ما در مدیریت منابع آبی تا چه میزان از روش‌های معمول سدسازی و انتقال آب فراتر رفته است؟

ما در تکنولوژی پیشرفته برای حفظ و مدیریت منابع آبی خود تا چه میزان توانسته‌ایم پیشرفت کنیم؟ تا چه میزان برای بهره‌وری از منابع آبی خود در راستای اقتصادهایی با بالاترین میزان بازدهی برای کشاورزان کوشیده‌ایم؟ تا چه میزان درآمد و هزینه‌هایمان در اقتصاد نشان داده است که تولید و صادراتی که در کشورمان شاهد هستیم می‌تواند بها و تاوان از دست رفتن منابع آبی‌مان را بدهد؟ اما گذشته از این مباحث باید به غفلت از بعد دیگری توجه کنیم که شاید یادآوری آن بتواند اندکی پاسخگوی سهل‌انگاری‌هایمان باشد.

✚ الهه آب! آغاز تقدس آب در

ایران

آب نه تنها از نظر دانش فنی و علمی در ایران بسیار اهمیت داشته، بلکه پیوند آب و فرهنگ و زندگی اجتماعی مردم به کرات در تاریخ مورد توجه قرار گرفته است؛ آناهیتا بزرگ‌ترین یادآور اهمیت جایگاه آب برای ایرانیان است، الهه‌ای در ایران باستان با عنوان آناهیتا گویای عظمت این جایگاه نزد ایرانیان است چرا که آناهیتا الهه‌ای است که در پشت پنجم اوستا پرستیده و توصیف شده و توسط اهورامزدا و زرتشت ستایش می‌شود و دارای ارزش و اعتبار بسیاری برای این

انسان از دوره‌های پارینه‌سنگی و میان‌سنگی اقامت در کنار رودخانه‌ها و چشمه‌ها و منابع طبیعی را انتخاب کرد و به کشاورزی و دامپروری روی آورد اما دیری نپایید که تمدن و توسعه بشر را به سمت حفر چاه‌ها سوق داد یعنی می‌توان این‌گونه تصور کرد که بشر، حفر چاه برای دسترسی به آب زیرزمینی را یکی از گام‌های خود در یافتن آب به صورت غیرطبیعی و با دخالت در طبیعت انتخاب کرد چرا که مردمان باستان معتقد بودند که خشکی آن چیزی است که بر روی بستری از آب قرار گرفته و حفر زمین می‌توان به آب رسید.

نخستین چاه‌ها به ابزارهایی ابتدایی حفر شدند و کم‌کم توسعه منجر شد تا چاه‌هایی عمیق‌تر برای دسترسی به آب حفر شده و زمین را بکنند. انبارهای اولیه ذخیره آب از گودال‌هایی که در آن آب را گرد می‌آوردند تشکیل می‌شد و با پیشرفت تمدن این روش‌های ذخیره آب نیز تکامل یافت.

ایران باستان خصوصاً در دوره هخامنشیان با جهشی عظیم در حوزه ارتقای دانش مدیریت آب و آبرسانی همراه شد، به طوری که درایت گذشتگان در توجه به مقوله آب خصوصاً با توجه به دانش عظیم این حوزه و صادرات این علم به کشورهای توسعه‌یافته مانند یونان و مصر گواه توجه ایرانیان باستان به آب بوده است. سیستم پیشرفته آبرسانی در دوره هخامنشی به خصوص در آبرازی پردیس‌ها، ایجاد سدهای متنوع و البته در کویر و فلات مرکزی قنات و آب‌انبارهای مختلف نشان می‌دهد که در کنار ایرانی همواره نیازمند آب و درگیر با مسئله کم‌آبی، مدیریت و درایت ویژه‌ای در خصوص مدیریت بهره‌برداری منابع



چگونه با چنین پیشینه‌ای از مباحث و مقدسات و روایات مربوط به آب، امروزه ایرانیان می‌توانند آن را نادیده گرفته و صرفاً با ترجیح دادن منفعت‌های مالی رودها را بخشکانند، چشمه‌ها را نابود کنند؟

سرزمین است. این الهه باستانی، هدایت و نگرهبانی تمام آب‌های جهان را به عهده دارد و افسانه‌ها و اساطیری که در این باره مطرح می‌شود در وصف جایگاه آب بسیار اهمیت دارد. علاوه بر آن، برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مرتبط با آب مانند آبپاشان در ایران باستان و ارتباط و وجود سمبل آب در جشن‌هایی مانند نوروز و تیرگان و... ارتباط فرهنگی قوی ایرانیان با آب را به تصویر می‌کشد، همچنین شمارگان آب در روزهای مربوط به یک ماه و همین‌طور یک هفته ایرانیان، مراسم‌های مربوط به سپاس باران و آب، نشان‌دهنده آن چیزی است که امروزه با غفلت از آن آب را تبدیل به ماده‌ای صرفاً آشامیدنی و مصرفی برای کشاورزی و صنایع کرده است، بی‌آنکه بدانیم آب در نگاه یک ایرانی چه جایگاهی داشته است. آب در کویر مدیریت بهینه این ماده حیاتی و تمدن‌کاری را شکل داده است، توسعه مبتنی بر تجارت و خدمات جزو مهم‌ترین درس‌هایی است که روایات تاریخی و اسناد موجود از آن یاد می‌کنند، یعنی مردمان کویر به جای توسعه صنعتی به مشاغلی روی آورده‌اند که آب در آن حفظ می‌شود و علاوه بر آن معماری شکل گرفته در فلات مرکزی به خوبی نشان‌دهنده این ارزش‌گذاری در زندگی این مردمان است. جایگاه قنات در زندگی مردمانی با تمدن‌کاری نشان‌دهنده حیاتی با مصرف بهینه منابع آبی است به طوری که فرهنگ‌ها و رویدادهای مختلفی مانند ازدواج قنات پیرامون آن شکل گرفته است.

❖ آب در قرآن و روایات

جالب است بدانیم که در قرآن کریم نیز حدود ۶۳ بار از واژه عربی «ماء» به معنای

آب یاد شده است و خداوند این ماده مهم را بسیار مورد تاکید و توجه بشر قرار داده است. روایات و داستان‌های تاریخی ادیان نیز بسیار با آب پیوسته‌اند از روایات مربوط به شکافتن آب برای حضرت موسی (ع)، دریا و نهنگ و حضرت یونس (ع)، باران‌های عظیم و بارش‌های معجزه‌آسا پس از خشکسالی‌ها و... همگی در قرآن نقل شده و آب مهم‌ترین اشتراکی است که از ایران باستان گرفته تا کنون در تمدن، فرهنگ و تاریخ ما وجود دارد.

چگونه با چنین پیشینه و چننه‌ای از مباحث و مقدسات و روایات مربوط به آب، امروزه ایرانیان می‌توانند آن را نادیده گرفته و صرفاً با ترجیح دادن منفعت‌های مالی رودها را بخشکانند، چشمه‌ها را نابود کنند و دریاها را از این سو به آن سو بکشانند و قنوت را بخشکانند و حیات نهفته در دل زمین را بکنند؟ امروزه شاید یکی از دلایل سوء و سهل‌انگاری در مدیریت منابع آب مربوط به تنزل این جایگاه و تقدس آن در زندگی اجتماعی و تربیتی مردم و خصوصاً دولت مردان باشد، شاید اگر آب آن‌طور که در گذشته مورد توجه ایرانیان بود امروزه نیز شأن و جایگاه گذشته را داشت، کمتر قربانی نگاه اقتصادی مطلق و بدون در نظر گرفتن آینده آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. شاید اگر آب برای ایرانی همان آب برای ایرانی باستان بود و این نعمت بزرگ را می‌ستودیم و برای جایگاه آن ارزش قائل بودیم، برای حفظش می‌کوشیدیم و چشم بر آیندگان نمی‌بستیم و با توسعه اقتصادهای سبز این ماده حیاتی را برای نسل‌های بعدی نگه می‌داشتیم و امروزه هم شاهد بحران‌های آبی به شدت امروز نبودیم.



گالری

● مروری بر آثار نگار مرتضوی زاده

● نگار مرتضوی زاده

- متولد دی ماه ۱۳۶۴ یزد
- دانش‌آموخته‌ی رشته نقاشی هنرستان هنرهای تجسمی دختران یزد
- فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران - ۱۳۸۵
- اخذ مدرک کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه هنر، تهران - ۱۳۹۱
- نمایشگاه انفرادی نقاشی، گالری والی - دی ماه ۱۳۹۹
- نمایشگاه انفرادی نقاشی، گالری صادقیان - اسفند ۱۳۹۲
- نمایشگاه انفرادی آبرنگ، گالری دانشکده هنرهای زیبا - ۱۳۸۵
- نمایشگاه انفرادی طراحی، گالری دانشکده هنرهای زیبا - ۱۳۸۳
- نمایشگاه گروهی طراحی، گالری دانشکده هنرهای زیبا - ۱۳۸۶
- نمایشگاه گروهی نقاشی بزرگداشت مارکار، گالری روزان، یزد - ۱۳۹۲
- نمایشگاه گروهی نقاشی، گروه فصل، گالری روزان، یزد ۱۳۹۲
- همکاری با گروه فصل و شرکت در چندین نمایشگاه گروهی، گالری گنجینه از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴
- اجرای بیش از ۷۰ اثر نقاشی دیواری به سفارش مجموعه‌های خصوصی
- همکاری با فصلنامه کتیبه، شماره ۴ - ویژه چاپ‌های دستی زمستان ۱۳۹۲









فرهنگ و ادب

- زمستان ما بوی نفت می‌داد
- داستان کوتاه
- نگاهی به تازه‌های نشر در یزد
- به بهانه سالروز انتشار سفینه نجات
- یاد از استاد محمدحسین ناصر ترک، شاعر خوش‌نویس یزد
- شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش هشتم)



زمستان ما بوی نفت می‌داد

در دههٔ هفتاد شروع سرما زمان دلواپسی بود. شاید سؤال برایتان پیش بیاید که دلواپس چه چیزی بودیم؟ دلواپس نفت، نه اینکه دلواپس نرخ نفت در اوپک، بلکه دلواپس این بودیم که در این پنج شش ماه، نفت گیرمان می‌آید یا نه. نسل امروز که بشکه دویست لیتری و تانکر هزار لیتری نفت گوشه حیاط ندیده و از بدو تولد دنده‌اش را به بخاری گازی و شوفاژ تکیه داده متوجه نمی‌شود صف نفت یعنی چه.

ذبیح جلیلی



دعوا می‌گرفت و با داد و قال شیر نفت را می‌بست و می‌گفت نفت تمام شده و حالا مردم تا عز و جز می‌کردند و از خر شیطان پیاده‌اش می‌کردند طول می‌کشید. بد به حال کسی که تا نوبت بهش می‌رسید نفت تمام شده بود.

می‌ایستادیم تا تانکر هزار لیتری نفت بیاید. بشکه‌ها یکی یکی زیر شیر نفت می‌رفت پر می‌شد و باید از ته دل دعا می‌کردی که تا نوبت به ما می‌رسد نفت تمام نشود. گاهی وقت‌ها هم آقای نفتی که همیشه اوقاتش تلخ بود با مردم

وسط سرما باید با دو بشکه بیست لیتری توی صفی می‌ایستادیم که نفر اول از ته صف معلوم نبود. یک بشکه سمت راست یک بشکه سمت چپ و بدن از شدت سرما روی ویبره. خیلی وقت‌ها می‌شد که ساعت‌ها توی صف



وقتی که نفت تمام می شد آقای نفتی ته سیگارش را زیر پاله می کرد با یک مکث می گفت تمومه یک عده ای می گفتند " همه نفتا مره صفاییه. خدا لعنتشون کنه فلون فلون شده ها"

این دیالوگی بود که بعد از تمام شدن نفت گفته می شد و امکان نداشت که گفته نشود. زمانی هم که نفت بیشتر شده بود می گفتند: " صفاییه خو گاز کشی کردن پ دیه کاری نفت ندارن خاطیری همین نفت زیات شده"

اواخر دهه هفتاد که حرف از گاز کشی بود هر روز منتظر بودیم که یک نفر بیاید روی دیوار خانه ما هم با اسپری قرمز علامت بزند.

خانه ما سر سهره راه بود. کوچه ها را کانال کنی کردند و ما کیفور بودیم که بالاخره از دست نفت خلاص می شویم ولی کانال گاز تا به نزدیکی خانه ما که سمت چپ سهره راه بود رسید یکهو چرخید سمت پارک شادای. چندین زمستان یک طرف سهره راه گاز داشتند و از مزایای گاز می گفتند و فخر می فروختند و ما که آن طرف سهره راه بودیم باید هوای حسن نفتی را داشته باشیم که خدایی نکرده کاری نکنیم که به او بر بخورد و ناراحت شود.

بدترین حس جهان همان حس بود. اگر نفت به اندازه یک شب توی خانه داشتی که هیچ و گرنه باید راه می افتاد دور کوچه محله شاید یک نفر انداره یک شب کارت راه می انداخت آن هم با منت که واقعاً منت هم داشت.

کسی که وضع و بضاعتی نداشت یک چراغ علاءالدین داشت و آنهایی که وضعشان بهتر بود بخاری نفتی داشتند و بخاری نفتی یعنی اینکه باید به همان اندازه که گرم می کرد دلواپس نفت هم باشی. زمستان ما بوی نفت می داد.

یعنی اگر وسط ذل گرما بوی نفت به دماغت می خورد تنها چیزی که می آمد توی ذهنت سوز سرما ی بود و پلته ی چراغ نفتی و حسن نفتی که باید از اوایل شهریور هوایش را داشته باشی که وسط سرما هوایت را داشته باشد.

وقتی وضع نفت بهتر شد یک مسئله برای خیلی ها پیش آمد که نیشان نفت حسن نفتی نمی توانست تا دم خانه شان بیاید تا تانکرشان را پر کند چون کوچه آن قدر تنگ بود که وقتی دو تا بیست لیتری را در دست چپ و راست می گرفتی بدنه بیست لیتری ها را باید به دیوار می مالید تا بعد چهل پنجاه متر به خانه برسی.

پس وضع کمی بهتر شده بود با این فرق که تمام تانکر را باید با بیست لیتری به خانه می بردند، تمام جانشان نفتی می شد، کوچه را بوی نفت می گرفت و از هزار لیتر نفت تانکر حسن نفتی دو بیست لیترش وسط راه به در دیوار و آسفالت می پاشید.

یک حقیقت هم وجود دارد که باید از مردم ساکن آن سال ها محله صفاییه عذرخواهی کرد. زمانی که نفت نبود و باید توی صف می ایستادیم دقیقاً

اواخر دهه هفتاد که حرف از گاز کشی بود هر روز منتظر بودیم که یک نفر بیاید روی دیوار خانه ما هم با اسپری قرمز علامت بزند.

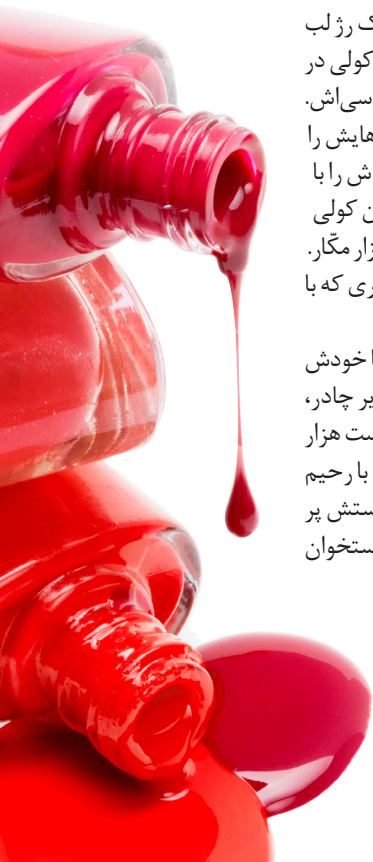
داستان کوتاه

لاک قرمز

مارال سجادی

چادر مشکی‌اش را جلو کشید و چند تار موی نشسته بر روی پیشانی‌اش را پنهان کرد. قدم‌هایش سریع و بی‌وقفه بود. باید تا قبل از آمدن رحیم به خانه، یک رژ لب می‌خرید و برمی‌گشت. قرمز، صورتی، کالباسی، یا هر رنگی که پیرزن کولی در بساطش می‌فروخت. یکبار آن‌ها را به روی لب‌هایش مالیده بود، شب عروسی‌اش. یک زن مشاطه او را بزک کرده بود. یادش آمد تا آخر شب کل رژ لب‌هایش را خورده بود. نرم بودند با طعم گس ماندنی. لبخندی زد و چادر مشکی‌اش را با دست از زیر پاهایش جمع کرد. همیشه همان جا می‌نشست، همان پیرزن کولی که یکشنبه‌ها بساط پهن می‌کرد و کلی خرت‌وپرت می‌فروخت، نزدیک بازار مگّار. بیشتر مشتریانش هم زنان و دخترکان تازه‌رسیده و جوان بودند. هر باری که با رحیم از کنارش رد می‌شد آنها را می‌دید.

دختر کانی با لبانی قیطانی با موهایی سشوار کشیده و دامن‌هایی کوتاه. با خودش گفت: شاید یک سفیدآبم بردارم ... شایدم بتوانم یک سرمه بخرم. از زیر چادر، دستش را داخل جیب لباسش برد و پول مچاله شده‌ای را بیرون آورد. بیست هزار تومان. فقط همین. تنها پولی که توانسته بود بعد از بیست سال زندگی با رحیم پس‌انداز کند. البته رحیم دست و دلباز بود و هر بار که به خانه می‌آمد دستش پر بود، یا سبزی پلاسیده‌ای لای روزنامه‌ای پیچانده بود یا دو تکه لاشه استخوان گوسفندی در دست داشت.



ذوق کرد. می‌توانست بالاخره بعد چندین سال یک رژ لب بخرد و شاید یک لاک قرمز... از اسم لاک، نفسش بند آمد، ناخودآگاه لبانش را از خجالت گاز گرفت و ایستاد. رو به دیوار کرد، چادر را به روی سرش میزان کرد و با گونه‌هایی سرخ به راهش ادامه داد. نگاهی به دست‌های چروک و بی‌رنگ‌اش انداخت. اصلاً هیچ شباهتی به دست‌هایی که روز اول از دواجش داشت نبود. آن دست‌های کودکانه با پوستی صاف و سفید با انگشتانی کشیده که یک عروسک را بغل می‌کرد و به دنبال خود می‌کشاند. بدون عروسک خوابش نمی‌برد. از رحیم هم می‌ترسید. ننه آقا غرغری می‌کرد که عروسک مانع نزدیکی او با رحیم است. اما عروسک برای او تمام رؤیایش بود. عروسکی که موقع جدایی ننه و آقایش از ده، ننه‌اش در بغلش گذاشته بود، عروسکی چرک و کثیف با دستانی کوچک و ناخن‌هایی لاک‌زده. لاک را همان موقع دیده بود. اما بعد از مدتی، رحیم آن عروسک را از خانه بیرون برد و گفت: خوبیت ندارد...

رحیم می‌گفت خوبیت ندارد، زن بزک کند. زن باید در پستوی خانه بماند. آن‌هایی که بزک می‌کنند و در خیابان‌ها می‌چرخند زن‌های شهر نویی هستند. از آن دسته زن‌هایی که پول می‌گیرند تا در آغوش مردی بتمرگند و برای لحظه‌ای بمیرند. معروف‌ترینشان شهناز چهار چشم است با ناخن‌هایی لاک‌زده... آن زمان همه می‌گفتند رحیم حق می‌گوید. ننه آقا، قمر خانم خاله رحیم، مشیدالله صاحب سبزی فروشی که رحیم در آن کار می‌کرد و... با خودش گفت: اگر رحیم همچنان حق را بگوید چه؟ آقا خدایا مرزم می‌گفت حرف مرد همیشه حق است. همیشه یعنی چه؟ خوبیت ندارد یعنی چه؟ شهناز چهار چشم اصلاً زنده است؟ کسی چه می‌داند شاید در آخرین هم آغوشی به‌راستی مرده باشد؟ یا شاید دیگر نای لاک زدن ندارد. دو دل شد. کمی سرعت قدم‌هایش را کم کرد. احساس خفگی کرد. نکند نشانه پیری باشد؟ پیری آن‌هم در سی‌سالگی؟ پاهایش وزوز می‌کرد. کمرش گرفت، باید یک جا می‌نشست. با پیرزن ده قدم فاصله داشت. سر پیرزن شلوغ بود. یک زن رژ لب صورتی رنگی را خرید.



زن دیگر یک سرمه و زن دیگری یک لاک قرمز ...
 لاک قرمز افسونش کرد. ناخودآگاه پایش به حرکت افتاد. مردمک چشمانش
 چرخید انگار هیچ چیز جز آن لاک قرمز را نمی‌دید. ضربان قلبش تندتر می‌زد. او
 طعم گس رژلب را چشیده بود ولی لاک قرمز چه طعمی داشت؟ نکند همان طعم
 گندمی باشد در دست حوا؟

به پیرزن رسید. خودش را باخت، احساس کرد کل دنیا در حال تماشای او هستند.
 او در بدترین نقطه و بدترین شرایط قرار داشت. بغضش را خورد. آنجا میان آن
 جمعیت در کوچه و خیابان بدون رحیم چه می‌گرد؟ میان دست و پاهاى زنان و
 مردان غریبه خودش را گم کرده بود. هیچ وقت بدون رحیم از خانه بیرون نیامده
 بود. احساس کرد همه او را زیرچشمی نگاه می‌کنند و نیشخندی به رویش می‌زنند
 و بچ‌بچ کنان می‌گویند: نگاه، زن رحیم سبزی فروشه ... بدون رحیم بیرون او آمده
 اونم تو این سن و سال ... می‌خواد لاک قرمز بخره ...

لبش را گاز گرفت. عرق سردی به روی پیشانی‌اش نشست. مردی همراه همسرش
 برای خرید از پیرزن ایستادند. مرد چقدر شبیه رحیم بود. نگاهی به آدم‌ها انداخت.
 همه شبیه رحیم بودند. با چشمانی ریز و کشیده و خون‌آلود. شاید یکی از همین
 رحیم‌ها، بیاید و مچش را بگیرد و بگوید: تو اینجا چه می‌کنی؟ و او زارزار گریه کند:
 به خدا رحیم جان آمده بودم بازار نان بخرم ولی یکهو گم شدم
 رحیم: جلوی بساط این پیرزن عفریته گم شدی؟ هزار بار نگفتم تو محله آبرو دارم
 تنها از خونه بیرون نیا ... اون بیست تومنواز کجا آوردی؟

-: به خدا رحیم جان خودم پس انداز کردم

رحیم: ای زنیکه پتیاره ...

سنگینی و سردی دست رحیم را به روی گونه‌هایش حس کرد. رحیم هر بار او
 را کتک می‌زد تا مدت‌ها درد داشت. بغضش را دوباره قورت داد. پیرزن کولی با
 لبخندی مهربان خیره به او شده بود. یاد نگاه مادرش افتاد، به همین اندازه گرم و
 مهربان بود، موقع بدرقه‌اش در شب عروسی گفت: اول رحیم بعد خدا ...

با دست‌هایی لرزان پول‌اش را از جیب لباس‌اش بیرون آورد و به سمت پیرزن کولی
 گرفت و گفت: یک گل گاوزبان لطفاً...



نگاهی به تازه‌های نشر در یزد

از چلچراغ قصه‌گویی تا خیابان هزار درخت

طبق آمارها، سالانه حدود صد هزار عنوان کتاب در کشور به چاپ می‌رسد و این شامل انواع کتاب‌ها در زمینه‌های مختلف هنری، دینی، علوم طبیعی، ریاضی و... است. استان یزد هم به ادعای مسئولان با دارا بودن ۱۱۸ چاپخانه، یکی از قطب‌های صنعت چاپ در کشور است اما اینکه سالانه چند کتاب در یزد منتشر می‌شود و چه تعداد از نویسندگان آن یزدی هستند، سؤالی است که جوابش را به صراحت نمی‌توان یافت.

مہتاب دره‌شیری



کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد راهی بازار شده است.

✚ تجربه‌هایی برای قصه‌گویی یکی دیگر از تازه‌های کتاب امسال، کتاب چلچراغ قصه‌گویی نوشته مهدی آرایبی است. آرایبی متولد سال ۱۳۵۶ و کارشناس فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یزد است. وی سال‌هاست که در زمینه قصه‌گویی فعالیت دارد و به‌عنوان داور بین‌المللی و ملی قصه‌گویی کشور شناخته می‌شود. به گفته نویسنده این کتاب، مجموعه چاپ شده چلچراغ قصه‌گویی، از ۴۰ نکته تجربه شده و ارزشمند در زمینه قصه‌گویی می‌گوید که در هر چراغ اول تا چهارم با مبانی هنر قصه‌گویی، چگونگی ورود به قصه و ارائه آن می‌توان آشنا شد. این کتاب توسط انتشارات شهرتاش منتشر شده است و مخاطب این اثر بیشتر قصه‌گویان، معلمان و نویسندگان هستند.

جلال توکلی نویسنده نام‌آشنای یزدی هم امسال کتابی با عنوان "حام" منتشر کرده است. این کتاب که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است، به حضور سربازان آمریکایی در عراق اشاره دارد و گوشه‌ای از رفتار خشونت‌آمیز و وحشی‌گری و جنایت‌های ارتش ایالات متحده علیه مردم مظلوم و مقاوم عراق در زمان اشغال این کشور را روایت می‌کند.

این نویسنده در خصوص کتابش می‌گوید: همان‌طور که می‌دانید پایه

"خیابان هزار درخت" اثر نسیم خلیلی از جمله کتاب‌های به چاپ رسیده سال جاری است. این مجموعه داستان در قالب نامه‌نگاری، نوشته شده است و شامل ۱۶ نامه است که خواهری برای برادرش در مورد مسائل روز، احساسات، نوستالژی، تجربه زندگی در یزد و فضاهای معنوی آن می‌گوید. در کنار این مسائل، نویسنده گریزی هم به مسائل اجتماعی، سیاسی، پاندمی کرونا و حواشی آن می‌زند و ساختار زندگی و خانواده و زنانگی در محیط فرهنگی یزد به تصویر می‌کشد.

به گفته نسیم خلیلی این کتاب بیشتر حول محور زینت السادات که زن میان‌سالی است، می‌چرخد و شخصیت عاطفی، معنوی و تربیتی خاص این زن که نماد زن سنتی در فرهنگ یزد است، در روایت داستان گنجانده می‌شود.

خلیلی متولد سال ۱۳۶۰ و فارغ‌التحصیل رشته تاریخ در مقطع دکتری است که هیجده عنوان کتاب چاپ شده را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است. عناوینی همچون "گلی روی داشبورد"، "کدامان دریا، کدامان رودخانه" "روداری فرهنگی در عصر مغولان" و... از جمله آثار این نویسنده به شمار می‌آیند که دو کتاب "خیابان هزار درخت" و "در بیابان، سحر فرامی‌رسد" داستان در بستر شهر یزد اتفاق می‌افتد که تأثیر زندگی ۹ ساله نویسنده در این شهر است. این کتاب توسط نشر خزه و حمایت اداره

یکی دیگر از تازه‌های کتاب امسال، کتاب چلچراغ قصه‌گویی نوشته مهدی آرایبی است. آرایبی متولد سال ۱۳۵۶ و کارشناس فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یزد است.

و اساس رمان بر تخیل استوار است، منتهی چار چوب کلی این اثر بر اساس مستنداتی است که پیرامون سربازهای آمریکایی در جنگ عراق وجود دارد. یکی از شخصیت‌های محوری داستان، سربازی به نام حام است که نقش مؤثری در حوادث داستان دارد.

توکل متولد سال ۱۳۴۸ و فوق دیپلم مرمت آثار تاریخی است. وی آثار زیادی را به چاپ رسانده است که از میان آثار او می‌توان به مجموعه داستان " آن خال " برگزیده نهمین دوره کتاب کودک کانون و " کتاب ریاح " برگزیده انجمن قلم و جشنواره دوسالانه قلم زرین نام برد. این رمان از زمان انتشار مورد توجه مخاطبان و منتقدان ادبی قرار گرفته و نامزد دریافت بهترین داستان بزرگسال از نوزدهمین جایزه قلم زرین بوده است. وی کتاب " کاغذ و باد " را نیز در دست تألیف دارد.

❖ کتاب‌هایی برای کودکان

فریبا قیومی زاده یکی دیگر از نویسندگان یزدی است که امسال کتابش با عنوان " خوش سفر " با انتشارات اکسیژن به چاپ رسیده است. قیومی زاده در خصوص این کتاب می‌گوید: این مجموعه شامل شعرهای کوتاه و کودکانه برای گروه سنی الف و ب با موضوع سفر است. در این کتاب سعی شده است تا در مورد آرامش و امنیت سفر، چک کردن ماشین و تعمیرات آن، وضعیت آب و هوا، رفتارهای درست و نادرست

راننده و ... به کودکان آموزش داده شود. وی هم‌زمان با چاپ این کتاب، از کتابی با عنوان " من در آسمانم " رونمایی کرده است که آن را برای گروه سنی ج مناسب می‌داند و در خصوص موضوع کتاب عنوان می‌کند: این کتاب در مورد زندگی‌نامه شهید مدافع سلامت، علی صفرو است که پرستار بخش کودکان بیمارستان بوده. او در زمان کرونا به خواسته خودش به بخش درمان بیماران کرونایی انتقال می‌یابد و به علت مبتلا شدن به کرونا به شهادت می‌رسد.

قیومی زاده ادامه می‌دهد: این کتاب در قالب شعر، از زمان به دنیا آمدن این پرستار، تحصیلات، ازدواج و دخترش شایلین می‌گوید. این کتاب هم توسط نشر اکسیژن به چاپ رسیده است.

قیومی زاده متولد سال ۱۳۵۶ و فوق دیپلم ادبیات کودک و نوجوان است که سال‌ها به‌عنوان مربی ادبی مرکز فرهنگی هنری ابرکوه و دبیر ادبیات فعالیت می‌کند. از وی کتاب‌های مختلفی به چاپ رسیده است. اینها بخشی از تألیفات نویسندگان یزدی بود که در سال جاری منتشر و رونمایی شده است. همچنین مجموعه اشعار شاعران انجمن ادب و شعر ابرکوه با عنوان " هفت آسمان کویر " و مجموعه تلفیقی " مین‌روب " با موضوع دفاع مقدس از نویسندگان نوجوان یزدی با همکاری حوزه هنری استان و ستاد برگزاری کنگره ملی بزرگداشت شهدای یزد، به چاپ رسیده است.

اینها بخشی از
تألیفات نویسندگان
یزدی بود که در سال
جاری منتشر و
رونمایی شده است.



به بهانه سالروز انتشار سفینه نجات

سفینه نجات کهن‌ترین نشریه یزد

شانزدهم آذرماه ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۳۲۴ قمری، ۱۹۰۶ میلادی) نخستین شماره نشریه سفینه نجات، کهن‌ترین نشریه یزد به مدیریت محمدصادق سفینه منتشر شد. هرچند در شماره‌های موجود از این روزنامه به طور مشخص به نام مدیر و صاحب‌امتیاز اشاره نشده است اما در انتهای صفحه آخر هر شماره امضایی با عنوان "مخبر صادق" درج شده است.

روزنامه را در سرمقاله همین شماره این‌طور نوشته است: "بدو اعلت توقیف و سکون سفینه را می‌نگاریم. دو امر ما را بدون حکمی مجبور به توقیف کرد اول عدم آزادی و شدت استبداد که قلم ما را اجازه نگارش هیچ‌واقعه و حادثه به طریق صواب نمی‌داد. دوم تملق‌گوئی و معکوس‌نویسی همکاران محترم که البته قارئین اوراق آنها را دیده‌اند تا به حدی کشید که اواخر خودشان

شماره اول روزنامه با چاپ ژلاتین در چهار صفحه به قطع ۶ در ۱۰/۵ اینچ و در تاریخ ۲۲ شوال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره ده‌ه‌از سال دوم سفینه نجات در چهار صفحه به قطع وزیری با چاپ سنگی در مطبعه سفینه طبع و در تاریخ ۲۲ ماه ذی‌الحجه ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته است. این شماره پس از چهارده ماه تعطیل و توقیف روزنامه منتشر گردیده و علت توقیف طولانی

هم خجالت کشیدند. ما نیز چون نمی توانستیم با آنها همراهی کنیم و ناچار به ضدیت بودیم با آنکه خود را حق گو و طرفدار حریت می دانستیم مغلوب دست استبداد بلکه یقین به طرد و نفی کرده نجات را در سکوت و سلامتی را در انزوا و عزت را در عزلت دیده؛ دم در کشیده زیر خرقة خزیدیم ..."

شعار روزنامه عبارت از کشتی بادی است که در وسط آن دایره و در درون دایره اسم روزنامه (سفینه نجات یزد) و در زیر آن سال تأسیس (۱۳۲۵ هجری قمری) و سال انتشار طبع گردیده است. مندرجات روزنامه سفینه نجات مانند سایر جراید محلی آغاز مشروطیت، عبارت از یک سرمقاله و مقالات متظلمین و اخبار راجع به مجلس شوری و اخبار محلی است.

در باره محمدصادق سفینه

"محمدصادق قمی" معروف به "سفینه" در محله چهارمنار یزد به دنیا آمد و پس از پایان تحصیلات همراه برادرش محمدحسین یک شرکت نوغان را در یزد تأسیس می کنند که به پرورش کرم ابریشم می پردازند. پس از مدتی برادرش به رشت می رود و در رشت صاحب روزنامه گلستان می شود ولی محمدصادق در یزد بعد از این که شغل نوغان داری را کنار می گذارد، وارد کار عدلیه می شود و پس از چندی به ریاست عدلیه یزد می رسد و روزنامه محاکمات را چاپ می کند که تقریباً ارگان عدلیه یزد بوده است.

سفینه که سردبیری سه هفته نامه

انجمن ولایتی یزد، سفینه نجات و محاکمات یزد را بر عهده داشت در ۴۷ سالگی در گذشت و از او فرزندی برجای نماند اما درباره زندگی هنری سفینه، کاوه چنین می آورد: از چهره های هنر خوشنویسی در یزد، مرحوم محمدصادق سفینه، مدیر روزنامه انجمن ولایتی یزد است که پس از یک سال، نام روزنامه خود را به سفینه النجات تغییر داد. صادق سفینه در نوشتن خط شکسته نستعلیق، شیوه شیعا را دنبال کرده و به درجه خوشنویسی رسیده بود. سفینه در فن خوشنویسی و حسن کتابت، زحمات زیادی را متحمل شده. او خط نسخ و رقع را هم خوب می نوشت و در این فن، نزد میربهاء خوشنویس به تکمیل هنر خود پرداخته بود. صادق سفینه در ۳۰ سالگی موفق به گرفتن امتیاز روزنامه هفتگی انجمن ولایتی یزد گردیده و با نشر مقالات در تنویر افکار اجتماعی کوشش و مجاهدات فراوانی نمود. مرحوم سفینه در مینیاتور و نقاشی آبرنگ نیز کار کرده بود." مشهور است که محمدصادق سفینه به دستور ضیغم الدوله حاکم وقت یزد در واقعه دوخته شدن دهان فرخی یزدی، شاعر آزادی خواه، حضور داشته و آنچه از آن واقعه به یاد مانده به لطف نقاشی او از این رویداد است. گفته می شود که کاریکاتورهای مشیرالممالک، صدرالعلماء و سردار جنگ که باعث توقیف سفینه و دهان دوختن فرخی شده نیز به وسیله وی کشیده شده که برخی از آن ها در جراید یزد چاپ شده است.



محمدصادق سفینه به دستور ضیغم الدوله حاکم وقت یزد در واقعه دوخته شدن دهان فرخی یزدی، شاعر آزادی خواه، حضور داشته و آنچه از آن واقعه به یاد مانده به لطف نقاشی او از این رویداد است.



یادی از استاد محمدحسین ناصر ترک، شاعر خوش‌نوای یزد

یک‌دم گمان مبرز خیال تو غافلیم

بی‌بی زینب مرآت

استاد محمدحسین ناصر ترک شاعر خوش‌نوا و توانای یزد، نایب الحکومه‌ای نابینا بود که خورشید وجودش پیوسته روشنی‌بخش دل‌ها و نورافشان محفل دوستان و همشهریانش بود. او در سال ۱۲۷۰ در محله بعثت یزد (میدان شاه سابق) پا به عرصه وجود گذاشت. وی فرزند آیت‌الله میرزا عباس جوانشیر قفقازی و نسبش از طرف مادر به مرجع عالی‌قدر زمان زندیه، میرزا سلیمان نائینی و قبل از او به میرزا محمد اسماعیل موسوی العریضی کلانتر و مجتهد الزمانی یزد و نوۀ مؤمن حسین یزدی، شاعر بزرگ دوره صفوی می‌رسید.

و امور مالی حکومت قفقاز نیز از جمله آنهاست.

هنگام تجاوز نیروهای تزاری روس‌ها به ایران، آقامیرزا علی ترک در نجف مشغول تحصیل و تدریس بود که اقامت در نجف را جایز ندانسته و هر دو را با شروع جنگ رها کرد و به عنوان یکی از فرماندهان سپاه ایران به دفاع از خاک وطن و جنگ با روس‌ها می‌پردازد.

وی همانند امیرالله پناه خان و ابراهیم خلیل خان به قدری شجاعت و مردانگی در جنگ از خود نشان می‌دهد که علمای نجف به وی لقب "ناصر الاسلام" و "صاحب‌السیف و القلم" می‌دهند و مرحوم محمدحسین ناصر ترک نیز به جهت این عنوان افتخارآمیز است که تخلص ناصر را برای خود انتخاب می‌نماید. بعد از انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای روس‌ها گفته بودند اگر آقامیرزا علی در قفقاز بماند جنگ قفقاز ادامه خواهد یافت.

پدر آقامیرزا علی ترک (امیر ابراهیم خلیل خان) در ایران، حکومت فارس را متقبل می‌شود اما به دلایلی از حکومت کنار می‌رود و به پیشنهاد اساتید حوزه نجف، با فرزندش برای توسعه معارف اسلامی به یزد می‌آید و عجیب اینکه علاوه بر مردم مؤمن این دیار، اقلیت‌های غیرمسلمان در یزد نیز اعتقاد فوق‌العاده‌ای به وی پیدا می‌کنند و حرمت زیادی برایش قائل بودند.

میرزا سلیمان در عهد خود از چنان جایگاهی برخوردار بود که وقتی قانی به یزد آمد تحت تأثیر او، قصیده‌ای در موردش سرود و شخصیت والای آن فقیه بزرگ را ستود. ناصر ترک از نسب پدری، نوه آقامیرزا علی ترک (معاصر فتحعلی شاه)، علامه فقیه و عارف شهیر دوره قاجار بود که در نجف هم‌زمان با تحصیل، تدریس هم داشت. وی نتیجه امیر ابراهیم خلیل خان بود که در کتاب خواجه تاج‌دار به قلم ذبیح‌الله منصوری، شرح جنگ آقامحمد خان با ابراهیم خلیل خان آمده است.

نیای او امیرالله پناه خان رئیس مقتدر ایل جوانشیر و حاکم ۱۷ ایالت قفقاز بود. گفتنی است ضرب سکه پنابادی به‌عنوان پول رایج اوایل دهه سال‌های ۳۰۰ نیز از اقدامات امیرالله پناه خان بوده است. این خاندان تنها کسانی بودند که در جنگ با خواجه تاج‌دار، مغلوب نشدند.

امیرالله پناه خان وقتی دودمانش توسط روسیه قتل عام می‌شود به خواهش مرحوم عباس میرزا ولیعهد وقت به ایران آمده ابتدا حاکم شیراز و سپس به همراه فرزندش آقامیرزا علی ترک (پدر بزرگ استاد محمد حسین ناصر ترک) مقیم یزد می‌گردد، لذا بسیاری از بازرگانان، رجال و روحانیون معتبر استان‌های شمالی کشور از جمله همدانی‌ها، رشتی‌ها، تبریزی‌ها و بادکوبه‌ای‌ها به خاطر وی به یزد آمده و مقیم می‌شوند. مرحوم فتح‌الله مشیرالممالک، رئیس دیوان

بعد از انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای روس‌ها گفته بودند اگر آقامیرزا علی در قفقاز بماند جنگ قفقاز ادامه خواهد یافت.



✚ آغاز راه محمدحسین

مرحوم محمدحسین ناصر ترک در شش سالگی به دوره ابتدایی در مدرسه مشیریه از تأسیسات شادروان فتح‌الله مشیرالممالک پا نهاد و با هوش و ذکاوت سرشاری که داشت شش کلاس را در دو سال خواند.

وی پیوسته شاگرد ممتاز بود، چنان‌که روزی جلال الدوله (نوه ناصرالدین شاه و پسر ظل‌السلطان)، والی یزد به همراه چند تن از اعیان یزد برای بازدید به مدرسه مشیریه رفته و از بچه‌ها سؤالاتی می‌کند لکن به سبب هیبت حاکم، دانش‌آموزی جرئت نمی‌کند تا به سؤالات پاسخ دهد. در آن زمان که محمدحسین ده - یازده سال بیشتر نداشت، خیلی محکم همه پرسش‌ها را پاسخ می‌دهد. حاکم می‌گوید: این پسر یزدی نیست؟!

میرزا فتح‌الله خان مشیرالممالک که پدرش با امیرزا علی‌ترک، پدر استاد ناصر، باجناب بوده، در جواب

والی یزد می‌گوید که پدر بزرگش از قفقاز آمده. میرزا تقی‌خان مشیر، پسر فتح‌الله مشیرالممالک (بیگلربیگی)، هم کلاس محمدحسین بود و فتح‌الله مشیر و امیرزا عباس‌پدر محمدحسین هم پسر خاله و هم نوه و هم دامادهای امیرزا سلیمان بودند.

ناصر در ۴ سالگی از فیض وجود پدر محروم و تا ۱۲ سالگی خواهر و دو برادر خود را از دست می‌دهد ابتدا چند سال زیر نظر معلم سرخانه و سپس در مصلی یزد ادبیات عرب، فقه، جغرافیا، ریاضی و نجوم را نزد استادانی که زمانی از شاگردان پدر و پدر بزرگش بودند من جمله امیرزا محمد کاظمینی پدر بزرگ دکتر محمد آقا کارزونی زاده رئیس بهداری آموزشگاه‌های یزد و آسید محمد آیت‌اللهی پدر حاجی آقا طاهر، فرا می‌گیرد.

وی هم‌زمان با تحصیل مدتی هم به‌عنوان مدرس، مقدمات عربی را در مصلی آموزش می‌داده است. مرحوم

ناصر در ۴ سالگی از فیض وجود پدر محروم و تا ۱۲ سالگی خواهر و دو برادر خود را از دست می‌دهد.



گران قدر بوده، نزد مرحوم میرسید حسن صدر جهت بازنویسی و چاپ قرار داشت که با فوت ایشان، مفقود و بنا به اظهار بازماندگان، توسط موربانه از بین رفته است.

باید متذکر شد که فرزندان مرحوم ناصر نیز از ذوق و طبع بی بهره نیستند، نوادگان ایشان: دکتر محمود صدر، متخصص قلب و استناد دانشگاه؛ شادروان دکتر مهدخت صدر، متخصص کودکان و استناد دانشگاه؛ دکتر محمدحسین صدر، دکتر علی صدر و دکتر عباس ناصر متخصص قلب؛ دکتر علی ناصر، متخصص پوست و مو و دکتر ناهید سلیمانی علاوه بر علم طبابت، دارای ذوق هنری، نقاشی، موسیقی و ادبیات می باشند و به آن عشق می ورزند.



مرحوم ناصر ابتدا در سال ۱۳۰۰ در اداره دارائی یزد مشغول به کار می شود.

✚ ورود به دنیای روزنامه نگاری

مرحوم ناصر ابتدا در سال ۱۳۰۰ در اداره دارائی یزد مشغول به کار می شود، اما از تهران بازرسی برای بررسی امور دارائی به یزد می آید که رفتارش مرحوم ناصر را خشمگین نموده، به طوری که وی عصبانیت خود را به صورت شعر به تهران تلگراف زده و استعفا می دهد.

با اینکه شادروان ناصر در ۴۰ سالگی نابینا می شود اما به لحاظ دانش و استعداد فوق العاده، فضل و آگاهی و خوشنویسی به کار در وزارت کشور مشغول و از طرف حکمران وقت یزد به سمت نایب الحکومه بافق و بهاباد و بعداً کذاب و ندوشن منصوب می شود. استاد ناصر ترک، با وجود نابینایی،

ناصر ترک مدتی نیز در مدرسه خان واقع در بازار پنجه علی به تحصیل اشتغال داشته اند.

در هفت سالگی در یک رؤیای شبانه، استعداد نهفته شاعری در وجودش متجلی می شود و از همان زمان به سرودن شعر می پردازد که مورد توجه عموم قرار می گیرد.

اشعار وی در آن زمان بیشتر جنبه مذهبی و در ارتباط با اهل بیت بود که موجود نمی باشد و تنها شعر ۱۶ سالگی استاد مربوط به سعدی و حافظ و فردوسی اینک در دسترس ماست ضمناً اشعار آن مرحوم بیشتر سبک سعدی و حافظ داشته و علاوه بر جنبه مذهبی، بیشتر حاوی مضامین عاشقانه، عرفانی و گاه سیاسی است سروده هایی در ارتباط با ضعف دولت قاجار، خشکسالی بهار ۱۳۰۲، سرنوشت فرخی یزدی و نیز ابیاتی مربوط به بعد از سال ۱۳۰۰ و حوادث یزد که در بیداری مردم شهر بسیار مؤثر بود، از جمله آنهاست.

همسر استاد ناصر، سکینه خانم ناصر می باشد و حاصل ازدواج آنان به ترتیب آقایان و خانمها: نصرت، احمد، محمد و پروین می باشند. لازم به یادآوری است که گردآوری اشعار مرحوم ناصر توسط مرحوم میرسیدحسن صدر (معروف به مؤتمن الشریعه) پدر بزرگ آقای دکتر محمود صدر، ابوالقاسم نوابی، دکتر جلال گلشن و فرزندان خود ایشان: شادروان نصرت خانم و آقایان احمد و محمد ناصر ترک صورت می گیرد. متأسفانه دفتری که محتوی حدود ۲۰۰ غزل و قصیده و رباعی از این شاعر

محدودیت گروه نویسنده‌گی و امکانات چاپ، از پاننشست و امتیاز روزنامه ناصر را در سال ۱۳۲۸ دریافت کرد و در سی سال آخر عمر به کار روزنامه‌نگاری در کنار دانشمندانی چون: عبدالحسین آیتی، سید صالح شهرستانی، خان بابا طباطبایی نائینی، استاد صادق نشأت، دکتر ابوالقاسم قلمسیاه، یحیی نواب، دکتر محمود علمی، دکتر ابوالقاسم هاشمی، ولی آقارشتی، سر تیپ سید مصطفی سجادی رئیس شهربانی وقت یزد، سید علی اکرمی، دکتر رضا پاک‌نژاد، علی لغوی، حسین رضوانی، محمد عباد زاده، سید حسن نقیب‌زاده نائینی، سید حسن حکمت، حاجی میرزا محمد آیت‌اللهی، رئیس ثبت وقت یزد (که بعداً شغل و کالت را برگزید)، سید ضیاء‌الدین روحانی و فرزندان‌شان زنده‌یاد نصرت خانم و آقایان احمد و محمد ناصر ترک به مبارزه با ارتجاع داخلی و استعمار اجنبی می‌پردازد، انتشار این هفته‌نامه تا اسفند ۱۳۵۹ ادامه داشت.

❖ فعالیت‌های اجتماعی

شادروان محمدحسین ناصر ترک فعالیت‌های اجتماعی متعددی را انجام داد از جمله:

- مسئولیت پرورش افکار که عبارت بود از: مجالس بحث پیرامون بیداری جوانان و علت عقب‌افتادگی جامعه؛ تشکیل جلسات انجمن ادبی که در خانه مرحوم آیت‌الله محمود فرساد با حضور: مرحوم آسید محمدرضا امامیان، افصح زاده، آسید علی محمد وزیری و عبدالحسین آیتی و آسید

حسن شکوهی و خدارحم هرمان، حاج بمانعلی حسینی، دکتر ضیاء دهشیری.

- اشعار وی علاوه بر روانی و شیوایی به جهت ثبت وقایع و مناسبت‌های زمان و به‌خصوص سرودن ماده تاریخ مانند ماده تاریخ‌های برج مار کار، فقدان ملک‌الشعراى بهار، دبیرستان ایرانشهر یزد، احداث جاده ده بالا و طزر جان و ده‌ها ماده تاریخ دیگر همیشه مطرح و مورد توجه سخنوران ممتاز و عموم مردم بود.

- بازرس فرهنگ در کارخانجات که بیشتر برای رسیدگی به پرورش افکار و بیداری کارگران کارخانه بود و تقریباً عنوانی تشریفاتی داشت.

شرح احوال و زندگی‌نامه و آثار متعددی از این شاعر بزرگ در کتب و رسانه‌های مختلف آمده است از جمله: فرهیختگان دارالعباده، سخنوران نامی معاصر ایران، تذکره سخنوران یزد از اردشیر خاضع که اشاره‌ای به حافظه قوی و متجاوز از پنج هزار بیت شعر و نیز به تشکیل انجمن ادبی در منزل مرحوم حاج آیت‌الله آسید محمد فرساد به همت استاد محمدحسین ناصر ترک را دارد، آیینه دانشوران از سید علیرضا ریحان یزدی و حاج سید ابوالفضل سعیدی ریحان روحانی یزدی، تذکره شعراى یزد، مروارید کویر، شرحی از مرحوم ناصر، نوشته میرزا احمدخان طاهری در کتاب تاریخ یزد طاهری، تاریخ یزد آیتی، جنگ ریحان، شاعر بینادل، از سحر در ایساتیس، نویسنده حسین رضوانی، یزد نامه، تاریخ سال شماری یزد، اشعار حسنعلی بخرد (حکمت)،

شرح احوال و زندگی‌نامه و آثار متعددی از این شاعر بزرگ در کتب و رسانه‌های مختلف آمده است.





با تشکر از فرزند برومند و فاضل آن مرحوم، جناب
استاد محمد آقا ناصر ترک دبیر محترم ادبیات
دبیرستان های یزد و جناب دکتر علی ناصر
شعری از مرحوم «محمدحسین ناصر ترک»

یکدم گمان مبر ز خیال تو غافلم
بنشستم ار خموش، خدا داند و دلم
هر روز اشک دیده بود نقل مجلسم
هر شب شرار سینه بود شمع محفلم
گر جان ندادم از غم هجرت مرا ببخش
بد کرده ام ولی به بد خویش قائلم
مایلم به وصل گل نبود هیچ بلبلی
اندازه ای که من به وصال تو مایلم
در حبس غم نمود و ز چشمم ربود خواب
از آتشی که گشت خیالت موکلم
از بس که من به وادی عشقت گریستم
سیلاب اشک دیده نشانیده در گلم
صد شکر ناصر به دبستان عشق او
در آخرین کلاس من اول محصلم

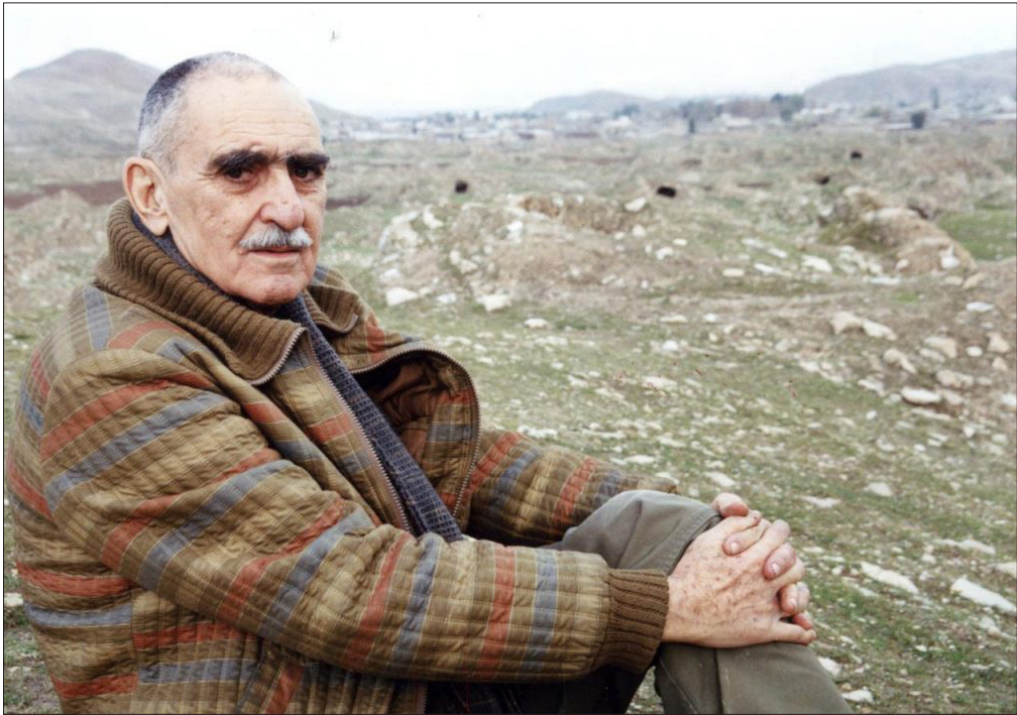


برادر آقایان سردار فاخر حکمت و
علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت،
دانشنامه مشاهیر یزد، تذکره سخنوران
یزد از سید محمدباقر برقی، تذکره
شعرای یزد در سال ۱۳۶۶ به قلم عباس
فتوحی.

آنچه در مورد مرحوم ناصر ناگفته ماند،
سواى قریحه و طبعی روان در شعر،
دارای بیانی فصیح و بلیغ، سرودن
قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و قطعه،
صدایی رسا، حاضر جوابی، استعداد
شگرف، ذوقی سرشار از شایستگی،
حافظه قوی و نیرومند، خطی زیبا
بخصوص خط شکسته، صدایی غرا،
نطقی فصیح، حسن بیان، قامتی
کشیده، اندامی شکیل، سیمایی
پر صلابت، فروتنی، روشنی ضمیر
همراه با ذکاوت، دارای شخصیت ادبی،
همنشینی با اندیشمندان، توانمند در
مجلس آرائی و حاضر جوابی، متکلم به
زبان های عربی و ترکی و فارسی، تسلط
به چند لهجه محلی ترکی بختیاری
قشقای و چند لهجه دیگر محلی
مشهور بود.

این مرد بزرگ پس از ۸۶ سال زندگی
پر بار، در اثر سکته مغزی در هجدهم
دی ماه ۱۳۵۶ دار فانی را وداع گفت و
در امامزاده سید جعفر محمد به خاک
سپرده شد.

در روز تشییع وی، با وجود وزش شدید
باد و سوز و سرمای بیش از اندازه هوا،
مردم قدرشناس در مراسم تدفین و
ختم وی، حضور گسترده ای داشتند و
نشان دادند که تا چه حد خدمتگزاران
صدیق و صمیمی خود را گرامی
می دارند. روانش شاد و بهشت برین
جایگاه ابدی اش باد.



شرحی بر زندگی استاد ایرج افشار (بخش هشتم)

گردآوری واژه‌های یزدی؛ عشق به زبان مادری

در سال ۱۳۶۴، افشار توانست نخستین دفتر نامواره دکتر محمود افشار را که پس از درگذشت پدرش در سال ۱۳۶۲ بنیان نهاده بود، با همکاری کریم اصفهانیان چاپ کند. این مجموعه که حاوی مقالات سودمند تاریخی، فرهنگی، ادبی، هنری، معماری، ایران‌شناسی و یزدشناسی است تا سال ۱۳۷۷ با نام نامواره در ۱۰ جلد و از آن سال تاکنون به نام "پژوهش‌های ایران‌شناسی" چاپ شده که مجموعاً به ۲۰ جلد رسیده است.

حسین مسرت



در این سال (۱۳۶۴/۴/۲۵)، نخستین دیدار نگارنده با افشار رخ داد، آن هم هنگامی بود که برای پژوهش در تاریخ مشروطه یزد، راهی تهران شده بود و در دفتر مجله آینده که کریم اصفهانیان هم حضور داشت، آشنایی نخستین رخ داد. از آن زمان بود که لطف های پنهانی وی در حق نگارنده تا پایان عمر برقرار بود که از آن جمله اند: یادکرد در مقدمه تذکره شعرای یزد (تألیف فتوحی ۱۳۶۶) و در مقدمه واژه نامه یزدی (۱۳۸۴/۱۳۶۸) نظارت بر حروف نگاری و نشر تذکره میکند، تصحیح این جانب در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین (سال ۱۳۷۱) یاد کرد در کتاب یزد نامه (۱۳۷۱) ارجاع نگارش مقاله ای درباره یزد در دایره المعارف گالیمار فرانسه که بخش ایران آن زیر نظر دکتر حامد فولادوند، تدوین می شد (۱۳۸۲). معرفی برخی ایران شناسان ژاپنی و اروپایی که عازم سفر یزد بودند، مانند دکتر یوکوهاماتا، دکتر سوزوکی و دکتر نوآکی کندواز ژاپن و دکتر ماریو ویتالونه از ایتالیا و نوشتن مقدمه بر دوره کتاب یزد، یادگار تاریخ (۱۳۸۹)، اثر این جانب که اکنون زیر چاپ است.

در سال ۱۳۶۶ با تشویق یکی از رجال فرهنگ دوست یزد به نام حسین بشارت، "گنجینه حسین بشارت" را بنیان نهاد و از آن سال تا پایان عمر، خود مدیریت و نظارت آن را عهده دار شد و جمعاً ۱۴ کتاب مربوط به یزد را در این سلسله به چاپ رسانید. همو در سلسله کوشش های چاپ متون یزدشناسی، این بار با پیگیری وی کتاب تذکره شعرای یزد تألیف عباس فتوحی یزدی با مقدمه خود او در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین و گنجینه حسین بشارت (ش ۱) در سال ۱۳۶۶ چاپ شد.

"خاک یزد از سرزمین های کم شاعر ایران است، دیاری که در آن کار و کوشش، کشاورزی و پیشه وری و بازرگانی خواستار داشته. متون تاریخی که درباره آن شهر در دست داریم گواهی است بر اینکه ملوک و حکام و عمال آنجا به ادب پروری و شعر دوستی رغبتی نداشته اند و کسانی که شعرا را می نواختند و به ذوق و سلیقه ادبی

در این سال (۱۳۶۴/۴/۲۵)، نخستین دیدار نگارنده با افشار رخ داد، آن هم هنگامی بود که برای پژوهش در تاریخ مشروطه یزد، راهی تهران شده بود و در دفتر مجله آینده که کریم اصفهانیان هم حضور داشت، آشنایی نخستین رخ داد. از آن زمان بود که لطف های پنهانی وی در حق نگارنده تا پایان عمر برقرار بود که از آن جمله اند: یادکرد در مقدمه تذکره شعرای یزد (تألیف فتوحی ۱۳۶۶) و در مقدمه واژه نامه یزدی (۱۳۸۴/۱۳۶۸) نظارت بر حروف نگاری و نشر تذکره میکند، تصحیح این جانب در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین (سال ۱۳۷۱) یاد کرد در کتاب یزد نامه (۱۳۷۱) ارجاع نگارش مقاله ای درباره یزد در دایره المعارف گالیمار فرانسه که بخش ایران آن زیر نظر دکتر حامد فولادوند، تدوین می شد (۱۳۸۲). معرفی برخی ایران شناسان ژاپنی و اروپایی که عازم سفر یزد بودند، مانند دکتر یوکوهاماتا، دکتر سوزوکی و دکتر نوآکی کندواز ژاپن و دکتر ماریو ویتالونه از ایتالیا و نوشتن مقدمه بر دوره کتاب یزد، یادگار تاریخ (۱۳۸۹)، اثر این جانب که اکنون زیر چاپ است.

افشار در آذر ۱۳۶۴ سفری به شهر آکسفورد انگلستان داشت و سخنرانی با عنوان "منابع تاریخی اواخر قاجار" در سمینار آن شهر بیان کرد.

بهار ۱۳۶۵، چندمین سفر افشار به ژاپن بود که در یادبودهای دکتر هاشم رجب زده منعکس است:

"بر روی هم شش بار از ژاپن دیدن کرد، نخستین آن در تابستان ۱۳۳۷

خاک یزد از
سرزمین های کم
شاعر ایران است،
دیاری که در آن کار
و کوشش، کشاورزی
و پیشه وری و بازرگانی
خواستار داشته.

عضویت در هیئت کارشناسان بنیاد میراث اسلامی (الفرقان) لندن، بی‌گمان یکی از مسئولیت‌های مهم علمی او در زندگی وی بود که تا زمان حیات (۱۳۸۹) ادامه داشت و تقریباً سالی یک یا دو بار برای کارشناسی راهی لندن می‌شد و نیز در این سال به همراه دکتر باستانی پاریزی و جمعی دیگر، دیداری از سنت فرانسیس پیشوا داشت.

ولی برای افشار، چاپ ثمره تلاش‌های ۲۵ ساله او در گردآوری واژه‌های یزدی که از سال ۱۳۲۴ آغاز شده و اکنون ویرایش نخست آن به بار می‌نشست، از همه چیز گوارا تر بود:

"گوش یزدی، زبان مادری خاندان من است. بی‌گمان فرهنگ یزدی من واژه کاملی نیست، هنوز چه بسیار واژه‌هایی که من نشنیده‌ام و در این مجموعه کوچک نیامده است. اما همین واژه‌های گردآمده، نمونه‌ای است برای نمودن کهنگی و اصالت آنچه یزدیان در زبان خود از گفتار پدرانشان نگاهداری کرده‌اند و امروز بسیاری از آنها می‌تواند در زبان فارسی استعمال پیدا کند و بر غنای زبان فارسی افزوده شود." در کارنامه دهه ۶۰ افشار به غیر از مسئولیت‌هایی که پیش تر اشاره شد، تدوین و نشر ۴۷ کتاب که بیشتر آن تجدید چاپ بود و نگارش ۲۵ مقدمه و پیش‌گفتار و یادداشت به دیگر آثار دیده می‌شود. نیز مابین سال‌های ۱۳۵۸ تا پایان ۱۳۶۹، مقالات افشار به غیر از یادنامه‌ها و مجموعه‌ها، در نشریات زیر چاپ شده است: آینده، گوهر، نگین، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم، مسائل کشاورزی

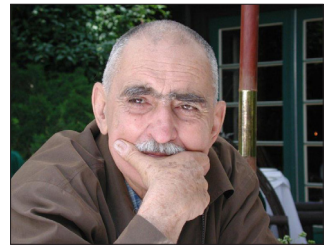
مشهور بوده‌اند، تعدادشان زیاد نبوده است. تذکره‌ای که از شعرای یزد در این کتاب انتشار می‌یابد، نمای روشنی از تاریخ ادبی شهر یزد در هفتصد سال است و لازم بود که چنین مجموعه‌ای در دسترس باشد."

همو در این مقدمه، رهنمودی به نگارنده داشت که خود گویای دلبستگی او به تدوین کتاب‌شناسی یزد است:

"هم امید است آقای حسین مسرت که اینک به شوری تمام به معرفی کتاب‌های مربوط به یزد پرداخته است، کتاب‌شناسی کتاب‌های چاپ‌شده یزد و نیز کتاب‌های یزدی‌ها را که در شهرهای دیگر به چاپ رسیده است، به روش درست و امروزی کتاب‌شناسی گرد آورد تا علاقه‌مندان بدانند در روزگار صنعت چاپ، چه کتاب‌ها و رساله‌ها و جزوه‌هایی در آن شهر و یا از یزدیان در شهرهای دیگر به چاپ رسیده است."

در سال ۱۳۶۸، نخستین فهرست چاپ کرده‌های ایرج افشار به کوشش فرزنداننش در آمریکا چاپ شد. نیز در این سال، عضو افتخاری مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و غربی دانشگاه کراچی شد و هم در زمستان برای تدریس در دانشگاه برن، راهی کشور سوئیس شد.

سال ۱۳۶۸ یکی از سال‌های پر سفر افشار به گوشه و کنار ایران از گلپایگان و خمین گرفته تا یزد و کرمان و فارس و شهرکرد بوده که جمعاً به ۴۶ شهر و آبادی سفر کرده است. در این سال جایزه ادبی - تاریخی بنیاد موقوفات دکتر افشار بنیان نهاده شد.



چاپ ثمره تلاش‌های
۲۵ ساله‌ی در گردآوری
واژه‌های یزدی که از
سال ۱۳۲۴ آغاز شده
و اکنون ویرایش نخست
آن به بار می‌نشست.

در سال ۱۳۷۱ کتاب دیگری در حوزه یزدشناسی، گردآوری افشار، با نام " یزد نامه" (دفتر نخست) که در بردارنده گفتارهایی در زمینه تاریخ، فرهنگ، ادب و هنر یزد بود، چاپ گردید. بیشتر مقالات آن برگزیده کارهای ایرج افشار و به نقل از نشریات قدیمی بود و بر آغاز آن دیباچه‌ای خواندنی قرارداد:

"شهر یزد به علت خشکی هوا و بخل آسمان، همواره از حیث کمی آب با سختی روبرو بوده است، اما مردمش با دلاوری و نیروی پشتکار و شوق نهانی توانسته‌اند، آب‌ها را از صحاری دور در رشته‌های قنوات به سوی شهر بیاورند و بیابان‌های ریگزار را به باغ و بند تبدیل کنند. جوهر بینش و نیروی حیات آنان همواره با ستم و سختی و گرانی طبیعت پنجه نرم کرده و از چنین شهر خشک، برزیگران استاد و بازاربان تردست برخاسته‌اند. تا بدان حد که رشیدالدین فضل‌الله همدانی برای آبادان کردن مزارع ربع رشیدی، سیصد تن از آنان را از یزد به تبریز برد و این کار نمونه‌ای بوده است از جلب کارشناس و واقعه‌ای بوده است که ذکرش در تواریخ آن روزگار مهم دانسته شده، از چنین شهری در آن قرون همواره برزیگر چیره‌دست، استاد و بافنده هنر ریز بر می‌خواستند است."

هم در این سال سفرنامه منشی‌زاده که به کوشش (البته در شناسنامه کتاب، نام کوشنده، شخص دیگری است) و مقدمه نگارنده این سطور فراهم گشته بود، با مقدمه دیگری به درخواست نگارنده از ایرج افشار چاپ شد:

"زمینه‌های پژوهش درباره هر شهری متنوع است. برای دستیابی

ایران، فردای ایران، فرهنگ ایران زمین، نشریه نسخه‌های خطی، بیاض، آدینه، عاشقانه، فصل نامه تئاتر، دنیای سخن، صوفی، کهکشان، کلک، آرمان، آدینه، جنگ و دانش و فن.

پی‌آمد عضویت در هیئت کارشناسان الفرقان، افشار برای شرکت در نخستین مجمع علمی و تخصصی مؤسسه الفرقان در ویلمبدون با عنوان: "اهمیت نسخه‌های خطی اسلامی" با حضور سی نفر از جهان و سه نفر از ایران شامل: دکتر سید حسین نصر، دکتر مهدی محقق و افشار به مدت دور روز در آذر ۱۳۷۰ راهی لندن شد.

در سال ۱۳۷۰ با پیگیری و دلبستگی افشار، چهارمین کتاب گنجینه حسین بشارت، در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین به نام "تاریخ سال شماری یزد" گردآوری اکبر قلمسیاه با دیباچه افشار چاپ شد:

"در سال‌هایی که به نگارش یادگارهای یزد می‌پرداختم، در سر می‌پروراندم که سال شماری از وقایع و حوادث تاریخی یزد مندرج در کتاب‌های تاریخ و اسناد دیگر مربوط به یزد و نیز سال‌های یاد شده در اسناد و مدارک و قبالة جات و سنگ قبر و دیگر کتیبه‌های بازمانده از قرون و اعصار گردآورم و آن را جداگانه برای سهل ساختن کار مراجعین و علاقه‌مندان به چاپ برسانم. متأسفانه نتوانستم و مجالی پیش نیامد آنچه را در خیال خام می‌پروردم، سرانجام دهم. توفیقی که در این راه پیش آمد منحصر شد به گرد آوردن سال‌شمار سنوات مذکور در همان کتاب "یادگارهای یزد" که در پایان جلد دوم آن به چاپ رسیده است."

در سال ۱۳۷۰ با پیگیری و دلبستگی افشار، چهارمین کتاب گنجینه‌ی حسین بشارت، در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین به نام "تاریخ سال شماری یزد" گردآوری اکبر قلمسیاه با دیباچه افشار چاپ شد.

به هنگام طرح ریزی و بنیانگذاری گنجینه‌ی مذکور که با مشورت دوست دانا و پیش مند خود آقای حسین بشارت انجام شد.

به گوشه‌های ناشناخته و تاریخ شهر یزد هم چاره جز این نیست. هر گونه نوشته‌ای از پیشینیان می‌یابیم که در آن‌ها اطلاعاتی از گذشته مندرج است، به چاپ برسانیم و بر منابع و مآخذ جغرافیایی و تاریخی و ادبی و فرهنگی و اجتماعی بیفزاییم.

نیز تذکره می‌کده، تألیف محمدعلی وامق یزدی که به کوشش نگارنده تدوین شده بود، به عنوان سومین کتاب در گنجینه بشارت و در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین با نظارت و دقت افشار، حروف چینی، غلط‌گیری و چاپ شد. این تذکره در بردارنده گزارش و زندگی شعرای عصر قاجار در یزد است.

سال ۱۳۷۲ بی‌گمان، سال تلخی برای افشار بود، زیرا ناچار شد به‌رغم دلیستگی‌های فراوانی که به نشر مجله ماندگار آینده داشت، به دلیل دشواری‌های پیش آمده، زندگی آن را خاموش کند: "آخرین شماره آینده در اسفند ۱۳۷۲ منتشر شد و خاموشی دلپذیر به اختیار سررسید. این سخن بگذار تا وقت دگر". هم در سال ۱۳۷۲ عضو هیئت ناظران دانشنامه ایرانیکا گردید که در آمریکا و زیر نظر دکتر یارشاطر و با سرمایه دانشگاه کلمبیا چاپ می‌گردد (تا سال ۱۳۸۹). سفر به آمریکا و دیدار و استفاده از کتابخانه دانشگاه لس‌آنجلس از برنامه‌های افشار در ۱۳۷۲ بود.

۲۵-۲۷ خرداد ۱۳۷۳ فرصتی بود تا افشار بتواند در مجمع "روزهای نسخه‌شناسی و شناخت خطوط در نسخه‌های خطی خاورمیانه" که با همکاری کتابخانه ملی فرانسه و بخش علوم تاریخی و زبان‌شناسی مدرسه مطالعات عالی سوربن و با حضور ۳۰

تن از اروپا و چهار تن از ایران، هند، ترکیه و یمن در پاریس برگزار می‌شد، شرکت کند.

در تابستان راهی یزد شد و دیداری از مرکز یزدشناسی داشت و در مهرماه ۱۳۷۳ توانست نظر موافق بازماندگان دکتر علی‌اکبر سیاسی، رئیس اسبق دانشگاه تهران را برای اهدای کتابخانه شخصی ۴۶۰۰ جلدی وی به دانشگاه یزد، شهر زادگاه دکتر سیاسی جلب کند و خود به همراه رضا شمس و دکتر فریدون سیاسی، نظارت بر این اهدا را بر عهده گیرد و از سوی بازماندگان به هیئت امانت این کتابخانه اهدایی منصوب شود.

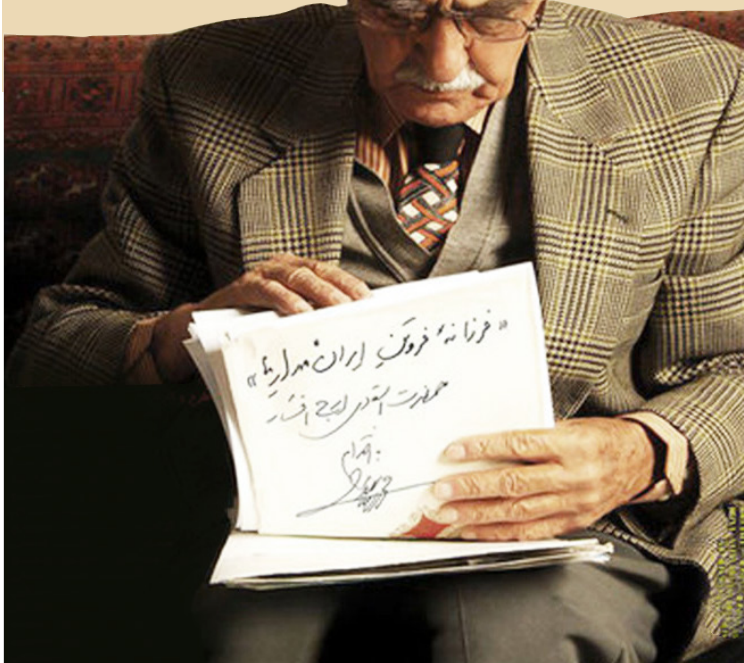
باز در این سال با اشاره و پیگیری افشار، کتاب "یزد در سفرنامه‌ها" گردآوری اکبر قلمسیاه در گنجینه بشارت (ش ۵) و سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین با مقدمه افشار چاپ شد:

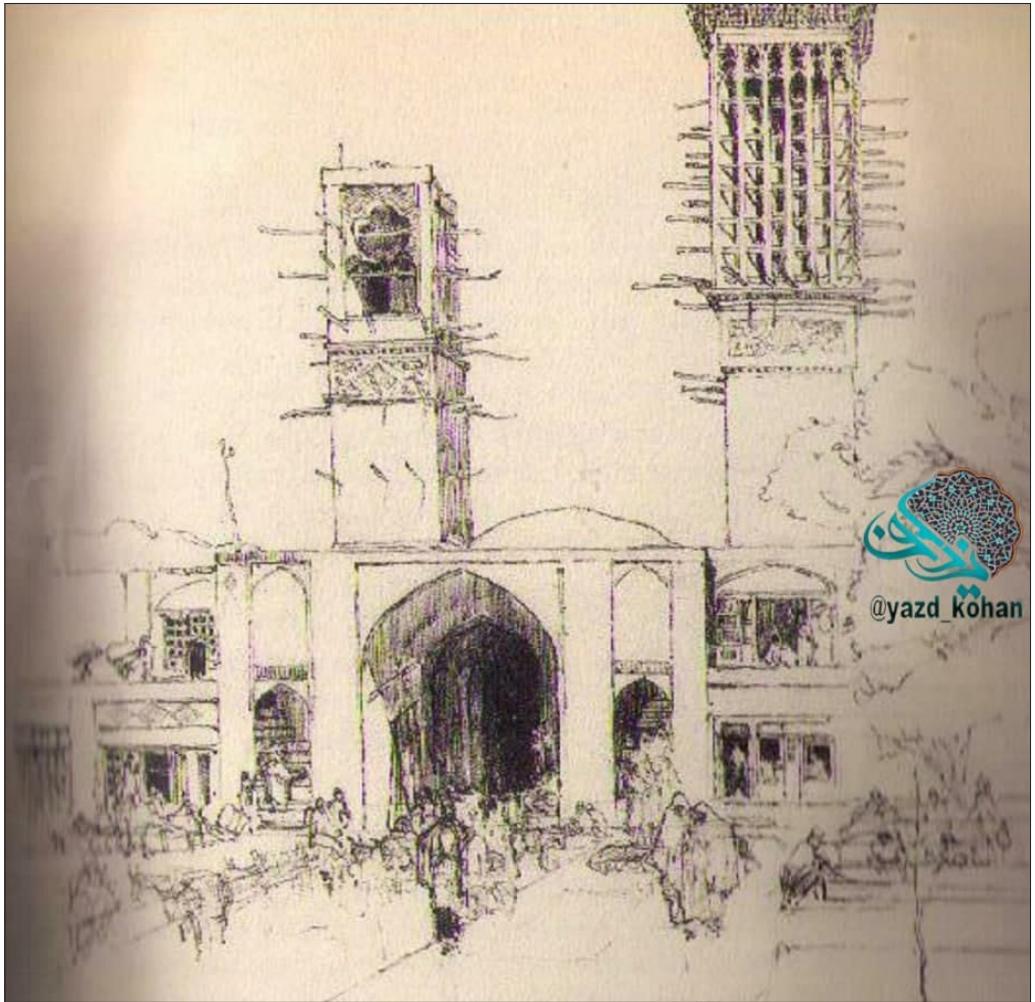
"به هنگام طرح‌ریزی و بنیان‌گذاری گنجینه مذکور که با مشورت دوست دانا و بینش مند خود آقای حسین بشارت انجام شد، ضروری دانسته شد که مجموعه‌ای از نگارش‌های سیاحان و سفرنامه نویسان گردآورده شود تا هم دوستداران آشنا شدن به کیفیات و خصوصیات پیشینه شهر یزد از آن بهره‌ور شوند. باید دانست که درباره یزد، بیش از این‌ها نوشته به قلم دیدار کنندگان آن شهر مخصوصاً خارجیان به جای مانده که بسیاری از آن‌ها هنوز صورت ترجمانی به خود نگرفته. من در مقدمه یادگارهای یزد و سپس در یزد نامه، ضمن معرفی مهم منابع و مراجع مربوط به یزد، بخشی را به شناساندن سفرنامه‌ها اختصاص داده‌ام."

فراغت‌های بعد از خاموشی آینده، باعث افزونی سفرهای علمی و گاه تفریحی او به شهرهای ایران و نیز شرکت در مجامع علمی شد، چنان که در ۴-۱۲ دیهشت ۱۳۵۴ در کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبیدی (صاحب کشف‌الاسرار) در شهر میبد شرکت کرد، آن‌گاه در بهار همان سال به دعوت دانشگاه استراسبورگ برای شرکت در مجمع "علم در قلمرو ایرانی" که به همت بخش مطالعات فارسی دانشگاه علوم انسانی استراسبورگ برگزار می‌شد، به مدت سه روز به همراه آقایان: دکتر مهدی محقق و دکتر هوشنگ اعلم، راهی فرانسه شد. عنوان سخنرانی افشار "مفهوم و مصداق علوم عملی در متون فارسی" بود. سپس برای تدریس و شرکت در دوره مباحث مربوط به خطوط اسلامی که از سوی مؤسسه الفرقان در لندن برگزار می‌شد، راهی آن شهر شد و در سوم مرداد، راهی شهر کرد شد تا در کنگره بزرگداشت میرزا حبیب دستان شرکت کند.

در میان کتاب‌های چاپ شده سال ۱۳۷۴ افشار، دو کتاب از همه برجسته‌تر است، نخست، جلدی روزنامه خاطرات عین السلطنه سالور. اما تلخ‌ترین رویداد آن سال و شاید زندگی او، از دست دادن همسر، همراه و دوستدار خود، شایسته افشاریه در ۲۶ دی‌ماه بود: "یک سال شوم بر ما گذشت و جملگی از فقدان شایسته، دل شکسته بودیم".

*کتابنامه در دفتر پرگار موجود است.





طراحی بادا؛ سفر و دیدیک ریچارد ارنهائو و بافت تاریخی یزد
۱۳۱۱ خورشیدی - ۱۹۳۱ میلادی - منبع: کتاب هنر ایران



▲ مسجد جامع، قدمت، زندگی / اثر سید مجید ابریشمی

یزد استور

فروشگاه اینترنتی
ویژه محصولات یزد

www.YazdStore.com

